



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

همایش ملی سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوارسگان

آبان ماه ۹۲

موضوع مقاله: سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) با رویکرد به: الگوی ارتباطات اجتماعی

دکتر زهرا شیخوند

چکیده

زمینه و هدف: سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) دارای افق های فراوان و متنوعی است و در زمینه خاصی منحصر نمیباشد، بگونه ای که در تمامی جنبه ها و زمینه های زندگی عبادی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... بهترین دستورات را در تغییر منش ها، رفتارها و معیارها بدون محدوده زمانی یا اقلیم جغرافیایی (مکانی) داده است، تا آدمی در یک چهارچوب مشخص در مسیر رشد، توسعه و رسیدن به اهداف سبک زندگی اسلامی در راستای دستیابی به سعادت موفق باشد. بنابراین با توجه به گستردگی دامنه ی بحث که بدان اشاره گشت، پژوهشگر می کوشد تا از زوایای نامبرده در منظر امام صادق (ع) تنها به بخش اجتماع و آن هم پیرامون الگوی ارتباطات اجتماعی نوشتار خویش را سامان دهد؛ چرا که بخش مهمی از زندگی انسانها در شبکه ی وسیع ارتباطات و تعاملات با یکدیگر می گذرد، پس از دامنه ی تاثیرات گسترده آن به سادگی نمی توان گذشت. همانگونه که مقام معظم رهبری نیز بارها در فرمایشات حکیمانه ی خویش این مبحث - سبک زندگی در بعد ارتباطات اجتماعی - را مورد توجه قرار داده اند.

در این راستا بازخوانی برآموزه های «سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) در الگوی ارتباطات اجتماعی» بلحاظ برخورداری از اصول و ارزشهای متعالی قرآنی - اسلامی در عصر حاضر ضرورتی غیرقابل انکار است که هدف مقاله ی حاضر نیز بر این اساس انسجام یافته است.

روش کار: از آنجا که اهمیت پرداختن به موضوع فوق الذکر - سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) با رویکرد به الگوی ارتباطات اجتماعی - ریشه در تفکر و رفتار هر فرد مسلمان جهت دستیابی به آرامش روانی و نیز سعادت دارد، لذا تمام شاهد مثال ها از سیره و کلام امام جعفر صادق (ع) انتخاب گردید و روش استخراج مطالب به صورت کتابخانه ای البته با نگرش کاربردی به مشکلات و مسائل از بطن و متن جامعه ی حاضر در سبک زندگی افراد پیرامون ارتباطات اجتماعی بوده است.

نتیجه گیری: در پایان نتایج تحقیق نشانگر آن است که اندیشه های توحیدمحور و قرآنی امام صادق (ع) در سبک زندگی پیرامون ارتباطات اجتماعی در تمامی موارد نه تنها با اصول روان شناسی روز در این امر مطابقت داشته، بلکه در اکثر موارد کارآمدتر و حتی کاملتر نیز می باشد؛ چرا که بینش حضرت (ع) به انسان و سبک زندگی وی، بینشی توحیدی است و حکایتگر نگاه کرامت محور ایشان به انسان و جایگاه او در دستگاه آفرینش می باشد، نه نگاهی برخاسته از ابزارمندی و در زمان و مکانی خاص؛ پس قابلیت بهره برداری را نیز به لحاظ حاکمیت شرایط بحرانی (گسست ارتباطات اجتماعی) در عصر ما را داراست.



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

واژگان کلیدی: سبک زندگی، الگو، ارتباطات اجتماعی، منظر، امام صادق (ع)، قرآن، روان شناسی.

مقدمه

جامعه واحد کلان اجتماعی است که از افراد به عنوان اجزای آن شکل گرفته است. فرد انسانی، کوچکترین واحد فیزیکی پایه در جامعه است. به عبارت دیگر واحد پایه در گروه اجتماعی، طبقه اجتماعی و جامعه، شخص انسان است.

موجود انسانی یک واحد تمام و یک شخصیت منفرد است. شخصیت انسانی نه تجزیه شدنی است نه تقسیم شدنی. همین شخص انسانی است که جامعه شناسان او را از سطح یا از زاویه های دیگر مطالعه می کنند. انسان بخش عمده ی زندگی خود را در گروه های اجتماعی می گذراند و در مقام عضو خانواده یا همسایه یا عضو یک گروه خاص اجتماعی، اقتصادی، دینی و قومی، یا در مقام یک شهروند و فردی از ملت با دیگر هموعان خود در ارتباط و کنش متقابل است. پس قطعاً در زندگی نیازمند برقراری ارتباطات اجتماعی است. این مساله آن چنان اهمیت اساسی دارد که بدون آن هم فرد پژمرده می شود، هم گروه و هم جامعه.

اما در مقابل برخی چنین می پندارند که امروزه وسایل ارتباطی به دلیل پیشرفتهای فوق العاده، تاثیر به سزایی در سبک زندگی انسانها بر جای گذاشته است و با وجود این مساله دیگر نیازی به تعامل و برقراری ارتباطات اجتماعی نیست، طرح این نظریه در حالی است که در دنیای امروز، پر فروش ترین داروها آنهایی اند که برای بیماریهای های اعصاب و روان، فشارخون، بیماریهای قلب و عروق و زخم معده استفاده می شوند. همچنین شایع ترین علت های معلولیت انسان، بیماریهای روانی، آرتریت روماتوئید و دیابت و شایع ترین علت های مرگ و میر انسانها، بیماریهای قلبی و سرطان اند و در شناخت علت تمام بیماریهای یاد شده، فشار روانی (Stress) نقش برجسته ای دارد. بنا بر گفته ی تعدادی از دانشمندان هم، تمام بیماریهای موجود در انسان، از جهاتی با فشار روانی ارتباط دارند. این بیماری ها نه تنها شامل بیماری های روانی یا بیماریهای روان-تنی (Psychosomatic) نمی شوند، بلکه در بر گیرنده ی تمام بیماری های جسمانی، مانند سرطان و سل نیز هستند. تجربیات نیز ثابت کرده است که طیف وسیعی از بیماریهای روحی و روانی و نیز بخش مهمی از ناکامیهای زندگی به خاطر عدم برقراری ارتباطات اجتماعی یا ناکامی در برقراری این نوع ارتباط است. پس ارتباطات اجتماعی را نباید ساده انگاشت. کسی که در زندگی نتواند با دیگران ارتباطی صحیح و منطقی برقرار سازد، دچار تنش ها، مشکلات و بلکه بحران های زیادی خواهد شد که بر کل زندگی او تاثیر خواهد داشت و موجب نارضایتی و تنها ماندن وی از سوی مردم، بلکه سبب ناکامی هایی نیز برای خود شخص خواهد شد. این چنین انسانی یعنی کسی که نتواند در ارتباطات اجتماعی اش، از هر گروه، رده، طبقه و سامانه ی اجتماعی روابط متعادلی داشته باشد، طبیعی است که در اجتماع نیز نمیتواند، تعامل مثبت و سازنده ای را برقرار نماید. از اینرو، پیوسته در حال تنش و اضطراب است و همواره از فشار روانی رنج می برد. همین امر، بر موقعیت اجتماعی او و نیز کسب و کارش تاثیر منفی بر جای خواهد گذاشت.

اما نباید فراموش کرد همین مساله نیازمند ضابطه و قانون است؛ چرا که بدون ضابطه و پایبندی، شالوده ارتباط و نیز زندگی اجتماعی از هم می پاشد و در نتیجه اجتماع هم از بین می رود.



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

از اینرو، توجه کردن و به کار بستن اصول حاکم جهت برقراری ارتباطات اجتماعی سالم و موفق برای تمامی افراد و از آن جمله نهادها و سازمانهای مختلف، امری ضروری است که بخش عمده ای از متون دینی نیز به این امر مهم اختصاص دارد که مغفول و محجور مانده است؛ یکی از همین موارد سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) با رویکرد به الگوی ارتباطات اجتماعی است که در این مجال به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم سبک زندگی

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی، علم جامعه شناسی و مردم شناسی است که اخیراً و در دهه های اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام وارگی و شبکه ای بودن عوامل متعددی که در شیوه های زندگی یا اقلیم های زیستن انسان تاثیر میگذارد، بوجود آمده است [علیرضا معاف، شاخصه های سبک زندگی اسلامی و غربی کدام است، ص ۳].

پس شیوه زندگی یا سبک زیستن منعکس کننده ی گرایشها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزشهای یک فرد یا جامعه است و مجموعه ای از طرز تلقی ها، عاداتها، نگرشها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می سازند [شاخصه های سبک زندگی اسلامی و غربی کدام است، ص ۳]. به تعبیر دیگر می توان در مورد این اصطلاح اظهار داشت که از سبک زندگی برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می شود؛ بگونه ای که مجموعه ای از ارزشها، شیوه های رفتار، حالتها و سلیقه ها در هر چیزی را در بر گرفته است. در بیشتر مواقع مجموعه ی عناصر سبک زندگی در یکجا جمع شده و افراد در یک سبک زندگی دارای اشتراک می شوند.

در تشریح مفهوم سبک زندگی رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (دامت برکاته) نیز به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، تولید، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف که متن زندگی انسان را شکل میدهد، بیان کرده اند. معظم له با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی تاکید داشتند که در معارف اسلامی اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد [سخنرانی مقام معظم رهبری، خراسان شمالی].

۲. ماهیت ارتباطات اجتماعی

در نگاه اول کلمه ی «ارتباط» کلمه ای تعریف شده و بی نیاز از توضیح به نظر میرسد، اما اگر کمی دقت کنیم از خود خواهیم پرسید به راستی ارتباط یعنی چه؟ رابطه به چه معناست؟ آیا ارتباط همان رابطه است؟ و عملکرد آنها چگونه است؟

در مورد پرسش نخست باید بگوییم که ما هر لحظه و همه جا در حال برقراری ارتباط هستیم. این واژه «ارتباط» از یکسو دارای مفهومی واضح و روشن و از سوی دیگر، دارای مفاهیمی پیچیده و غامض است. از دیدگاه لغوی، تعاریف متعدد برای این واژه بیان شده است که به چند مورد آن اشاره می شود:

ارتباط به معانی «رساندن، بخشیدن، انتقال دادن، آگاه ساختن و مکالمه و مراوده» آمده است [وبستر، ص ۸۲۶]. به



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تحکیمات بود.

بیان دیگر ارتباط در قالب مصدر متعدی به معنای «ربط دادن، بستن، بستن چیزی به چیزی و بر بستن» می باشد و در نقش اسم مصدر، به معنای «بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه» است [معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۸۹]. و در جای دیگر ارتباط به معنای «مبادله، گزارش، ابلاغیه، ابلاغ، نقل و انتقال، مرادده و عمل رساندن و ابلاغ و...» آمده است [آریانپور، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، ج ۱، ص ۳۸۶].

در تعریف اصطلاحی از میان تعاریف ارائه شده برای ارتباط و روابط بین فردی، سه تعریف بنیان تمام تعاریف را پی می ریزد. در نزد ارسطو، ارتباط (ریطوریکا) جستجو برای دست یافتن به کلیه وسائل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران است [محسنیان راد، ارتباط شناسی، ص ۳۹].

از دیدگاه روان شناسی اجتماعی و دانشمندان علوم ارتباطات انسانی، ارتباط میان فردی، فرایندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات از طریق پیام های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان گذارده می شود. یعنی همان فرایند ارسال و دریافت پیام را ارتباط می گویند [کریستین، مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص ۹۰].

بر طبق تعریف سوم، ارتباط میان فردی، یک تعامل گزینشی نظام مند، منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده ی شناخت طرفین از یکدیگر است و محصول این شناخت، خلق معانی مشترک بین اعضا و طرفین ارتباط است [اوود، ارتباطات میان فردی، ص ۱۳۷].

در پاسخ به پرسش دوم باید اظهار داشت که شاید بارزترین تعریفی که از واژه رابطه از نظر لغوی می توان ارائه داد، عبارتست از: «مجموعه رفتارهای متقابل و کنش ها و واکنش های دو جانبه: رابطه ی جنسی، زناشویی، سیاسی، اجتماعی و...» [انوری، فرهنگ روز سخن، ص ۵۸۵]. به بیانی دیگر «تماس، گفتگو، مرادده یا دوستی بین دو یا چند کس ارتباط» [همان]. حال با تمام تفاسیر، همانگونه که پیشتر نیز در تعریف لغوی ارتباط بیان شد، معین در فرهنگ خود اساس ارتباط را، رابطه تعریف می کند. لذا از نظر او، نوعی این همانی بین این دو واژه وجود دارد [فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۸۹].

حال در طول چند دهه ی گذشته رشد بیش از پیش علم و تکنولوژی مفهوم ارتباطات را بسیار گسترده ساخته است و ابعاد مختلف آن امروزه عبارت است از: راهها و وسایل ارتباطی، انتقال پیام ها و مدارک، ارتباطات علمی و اداری، ارتباطات تلفنی و مخابراتی، حاملین و تکنیک های ارتباطی، ارتباطات میان افراد، ارتباطات میان فرهنگی، ارتباطات میان نهادهای اجتماعی، ارتباطات مبتنی بر وسایل ارتباط جمعی، ارتباطات سیاسی، ارتباطات دولت و مردم و...

اما مقصود از **ارتباطات اجتماعی**، ارتباط و وابستگی متقابل انسانها و جهت گیری رفتاری آنهاست. یکی از نکاتی که در ارتباطات اجتماعی مطالعه می شود، نوع و ساختار روابط انسانها با هم و قانونمندی حاکم بر آن است. درک یک نوع ارتباط را می توان در مدلی ساده براساس توزیع قدرت و نفوذ در انواع ارتباطات تصور کرد؛ ارتباط افقی میان دو نفر که از نظر شرایط یکسان اند (مانند دو کارمند) و ارتباط عمودی میان رئیس و زیردست و تغییرات رفتارشان در هر نوع از این نوع ارتباطات. هرگاه روابط عمودی باشد که عده ای در بالا و برخی در پایین قرار گیرند، معمولاً ارتباطات اجتماعی میان آن دو، همراه با تنفر، دوری، فخر فروشی، تکبر و... است، ولی



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

هنگامی که روابط، افقی و در یک سطح باشد، ارتباطات اجتماعی میان آنها، همراه با الفت، مهربانی، علاقه و... است [رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۷۳].

به سخن دیگر معمولا ارتباطات اجتماعی، «ارتباطات میان دو شخص یا دو گروه را می رساند. روابط چنانچه صورت همکاری، مبادله، تفاهم، وصلت، دوستی، استخبار و... یابد، مثبت و چنان چه صورت مبارزه، تنش، کشمکش، هموردی، تقابل، خراب کاری و... پذیرد، منفی و آنگاه که بصورت انطباق، همسازی و قرارداد در آید، خنثی خوانده می شوند» [بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۳۷۶].

۳. خاستگاه پیدایش ارتباطات اجتماعی

از آنجا که دین خود مبدع ارتباطات اجتماعی - انسانی نیست و بیشتر نقش تاییدی و امضائی در برابر رابطه های موجود را دارد و در واقع دیندار بودن مردم، آنها را به سمت پی ریزی این مساله نکشاند است، پس باید بررسی کرد که منشا پیدایش اینگونه روابط انسانی چیست؟ چه عاملی موجب کشیده شدن به سمت این ارتباطات شده است؟ واضح است تا منشا پیدایش و انگیزه ی ظهور ارتباطات اجتماعی شناخته نشود، نمیتوان به نوع، چگونگی، آیین، اصول، شیوه و روشهای صحیح الگویی رفتار اجتماعی دست یافت و بنوعی به شرایط، انواع و ابزار آن پی برد و آنگاه با معیار شریعت پیرامون آن قضاوت نمود.

ارتباط انسانها با یکدیگر در اجتماع، تنها محصول تدبیر عاقلانه انسانهاست که تمام امور از جمله انسانهای دیگر را در مسیر رسیدن به اهداف خود به خدمت می گیرند. یعنی عقلا به این نتیجه رسیده اند که در دنیا بدون همکاری یکدیگر و جلب یاری دیگران نمیتوانند به تمام اهداف زندگی دست یابند. حتی و چه بسا زندگی فارغ از حمایت دیگران مورد تهدید واقع شود و به نابودی منتهی گردد. اینگونه تفکر و استدلال، آنها را به پی ریزی برقراری ارتباطات اجتماعی و دریافت کمک از همنوع خویش سوق داده است تا اهداف خود را در رهگذر ارتباط و همیاری با یکدیگر به دست آورند. یکی از انواع ارتباطات، رابطه با مردم اجتماع اعم از همکار، هم گروه و... است. گویا این گونه پنداشته اند همان گونه که جامعه انسانی و اهداف زندگی، بدون ارتباطات اقتصادی و آموزشی و... از سلامت لازم برخوردار نیست و زندگی بدون آنها رو به فنا و نابودی است، همین طور زندگی فارغ از ارتباطات اجتماعی و دوستی با مردم، یک زندگی سالم، رو به رشد و حتی بهبودی نیست و برای رسیدن به اهداف زندگی و برخورداری از سلامت روحی و روانی و حرکت در جاده تکامل فردی و اجتماعی، وجود ارتباطات اجتماعی همانند ارتباطات اقتصادی و فرهنگی ضروری می باشد. بنابراین برقراری ارتباطات اجتماعی با یکدیگر محصول تدبیر عاقلانه عقلا است و این امر تحقق نمی پذیرد مگر با اجرایی نمودن اصول و روشهای خاص خود.

۴. انسان و انواع ارتباطاتش

انسان موجودی کمال جو و تعالی پذیر است؛ کمال آدمی بر اثر حُسن انجام وظایفی به دست می آید که به موجب ارتباطات گوناگون او با خود، خداوند و همنوعان بر عهده اش نهاده شده است. این ارتباطات عبارتند از:

۱-۴) ارتباط انسان با خود



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

اندیشمندان رفتار اجتماعی، بر این باورند که توانایی آدمی در انجام دادن هر چیزی در زندگی، بر توان او در هدایت سیستم عصبی اش مبتنی است [رضائیان، مدیریت رفتار، ص ۳۳۲]. توان هدایت سیستم عصبی به وسیله فرد را، برنامه ریزی ارتباطات با خود می نامند. این برنامه ریزی (ارتباط با خود) علم چگونگی اداره ی بهتر ذهن برای ایجاد نتایج مطلوب است. این علم، کلید گشودن رمزچگونگی ایجاد نتایج بهینه مستمر را ارائه میدهد. براساس برنامه ریزی ارتباطات با خود، افراد می توانند با بکارگیری توان مغزی و بدنی خود، به موفقیت های بزرگی دست یابند. در واقع با تسلط بر خود حتی می توانند موفقیت های خیره کننده دیگران را بازسازی و تقلید کنند. پژوهشگران معتقدند که اگر کسی در این جهان فضیلتی را کسب کرده که مورد توجه دیگران قرار دارد، به آن دلیل است که مایل به پرداخت هزینه زمان و تلاش برای آن بوده است. به بیان دیگر وی حاضر بوده است که با کنترل مغز، روان و بدن خود به این موفقیت ها دست یابد.

هم چنین این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن نیز بدان اشاره نموده است [نساء/ ۱۰۷-۲۹، انعام/ ۳۱، هود/ ۴۷، مائده/ ۱۰۵، بقره/ ۱۸۷، حشر/ ۱۸] و در سرلوحه ی همه ی برنامه های خود، خودسازی را مطرح می سازد؛ چرا که اگر این «خود» ساخته شود؛ «خود»ی که دارای فطریات و ابعاد وجودی گوناگون است. «خود»ی که آفریده شده مبدا وجود اوست و ره به سوی او دارد. «خود»ی که میتواند جانشین خدا بر روی زمین قرار گیرد. «خود»ی که اگر رو بسوی آیین استوار توحیدی کند به سعادت ابدی دست خواهد یافت و اگر از آن دوری جوید به شقاوت ابدی خواهد رسید. «خود»ی که اگر سالم بماند، جامعه ای را احیا خواهد کرد و اگر دچار مسخ شود ملتی را نابود خواهد ساخت، دیگری و دیگران برای وی مطرح خواهند بود و اگر این «خود» ویران شود، دیگری برای وی معنا و مفهومی نخواهد داشت.

۲-۴) ارتباط انسان با خدا

مهمترین ارتباطی که در میان ارتباطات چندگانه وجود دارد، ارتباط انسان با خداست و در واقع این امر اساس همه ی ارتباطات است و هر ارتباطی که انسان با دیگران برقرار می سازد، باید بر مبنای این نوع ارتباط باشد؛ چرا که انسان بعنوان مخلوق خداوند، نیازمند به برقراری ارتباط با خالق خود است از این رو، ارتباط انسان با خداوند در طول زندگی، ارتباطی ضروری و شایسته است. البته برقراری ارتباط انسان با خدا در گرو وظایفی است که قرآن از آنها با تعبیری همچون پذیرش ولایت و سرپرستی خدا [شوری/ ۹]، پرستش و اطاعت محض و مطلق از حضرت حق [آل عمران/ ۶۴]، راز و نیایش با آفریدگار [مومن/ ۶۰]، شکر نعمتهای الهی [ابراهیم/ ۷]، انجام همه اعمال با نیت و انگیزه ی خدایی و توکل بر او [آل عمران/ ۱۶۰، ابراهیم/ ۱۱] و... یاد می کند.

شاید دلیل این همه تاکید بر انجام این امور و وظایف در ایجاد ارتباط با خداوند، این است که همه ی این مسائل سبب کمال انسان می شود و برقراری این نوع ارتباط را انسان تنها با خدای خویش می تواند برقرار کند و در مورد غیر خدا، چنین ارتباطی نه صادق است و نه جایز.

۳-۴) ارتباط انسان با دیگران

بخش قابل توجهی از ارتباط انسان در جامعه، مربوط به تعامل وی با دیگران است، چرا که انسان به عنوان موجودی مسئول، متعهد و اجتماعی که بسیاری از ابعاد وجودیش تنها در ارتباط با جامعه شکل میگیرد، نمی



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

تواند نسبت به این افراد بی تفاوت باشد. فردی که از محیط اجتماعی خود را دور می سازد و به گوشه ای پناه می برد، بدون شک بسیاری از استعدادهایش را از رشد صحیح باز می دارد.

حتی نظریه پردازان علوم اجتماعی نیز این خصیصه - ارتباط انسان با دیگران - را معلول نیازهای متنوع آدمی دانسته اند؛ زیرا نیازهای او - با توجه به استعدادهای مختلف نهفته در وجودش - با معاشرت، تبادل افکار و ایجاد روابط نیکو و اخلاق شایسته با هموعان، در یک اجتماع سازمان یافته انسانی تامین می شود و بر اثر همین معاشرت ها و تبادل افکار، ارتباطات اجتماعی - انسانی شکل می گیرد و فرهنگ انسانی به وجود می آید.

۵. سبک زندگی، ارتباطات اجتماعی و دنیای معاصر

حال باید پرسید، ماهیت واقعی ارتباطات اجتماعی در سبک زندگی افراد در عصر حاضر چیست؟ آیا روابط اجتماعی انسانها با یکدیگر به همان شکل گذشته موجود است؟

در پاسخ باید گفت شکی نیست که انسان حاضر در سبک زندگی، وارد عصر بحران شده است و چون مراحل گذر به طور تسلسل وار و با شتاب پشت سرهم می آیند، پایانی برای این دوره بحران متصور نیست. در چنین شرایطی است که ارتباطات اجتماعی نیز تحت تاثیر قرار گرفته است؛ هرچند ذهنیت بشر با چنین وضعیتی خو نگرفته است و حافظه ی تاریخی ما نیز ریشه در ثبات و آرامش دارد پس نظام فکری و ادراکی ما آمادگی رویارویی با یک دوران بی قراری، سرگشتگی و بحرانی را ندارد.

بنابراین باید پذیرفت که در اثر شتاب تغییر، در دنیای معاصر، سبک زندگی انسان در بُعد ارتباطات با شش عنصر تغییر کرده است:

- ارتباط انسان با انسان: این نوع رابطه از شتاب تغییر متاثر می شود و گذرا و ناپایدار می شود. انسانها با سرعت بیشتری می آیند و میروند. استمرار ارتباطات اجتماعی انسانها کمتر شده است. حلقه ی روابط اجتماعی که در گذشته همراه با انسانها بود، خیلی سریع گسسته و جابجا می شود. انسانهای زیادی وارد زندگی ما می شوند و می روند و چون میزان رفت و آمد آدمها زیاد می شود، دوستی های پایدار و عمیق شکل نمی گیرند و ارتباطات اجتماعی انسانها با هم گذرا و ناپایدار می شود، پس معیارهای ارتباطات اجتماعی هم تغییر می کند.

- ارتباط انسان با مکان: جابجایی ها زیاد شده و انسان ها خیلی راحت از ریشه و مکان اصلی خودشان کنده میشوند. ما وارد عصر خانه به دوشی شده ایم، پدیده ی مهاجرت، پدیده ی عصر جدید است. ارتباط انسان با مکان خیلی ناپایدار و گذرا شده است.

- ارتباط انسانها با ایده ها و اندیشه ها: سرعت تولید آگاهی و اطلاعات و دانش جدید خیلی عجیب است! هر چهار دقیقه یک مقاله و یافته جدید علمی در زمینه های گوناگون تدوین میشود. ذهن ما هنوز به اطلاعات و یافته های قبلی خو نگرفته که با اندیشه ها و ایده هایی جدید روبرو می شود که می آیند و می روند مساله قطعیت در علم معنای خودش را از دست داده است؛ در چیزی که جدید می آید، قبلی را نفی می کند.

- ارتباط انسانها با مشاغل و سازمانها: قبلا تغییر مشاغل یا تغییر محل کار یک ضدارزش بود ولی امروز تغییر ارزشی پیدا شده و آدمها افتخارشان این است که در یک جا نمانده و از یک جا ماندن احساس بی تحرکی و سکون می کنند و در یک جا خدمت کردن برایشان سخت است.



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

- ارتباط انسانها با اشیاء: فرهنگ «یکبار مصرف» نشانه این تحول است. فرهنگ اشیاء دور ریختنی، روزگاری در تولید صنعتی اصل بر دوام بود و از این راه سود و اعتبار به دست می آمد. الان سالهاست که دیگر چنین چیزی را نمی بینیم.

عمر خودرو را پنج سال تعریف کرده اند. سلیقه های مصرف کنندگان هم با همین سرعت در حال تغییر است. تنوع به جای دوام، یک اصل شده است و می خواهند که کالای جدید و متنوع عرضه شود. این تحولات، ارزش را از داشتن به بودن تغییر داده است. در کشورهای پیشرفته، خیلی از اشیایی که زندگی را تامین می کند با هر جابجایی باقی می گذارند و با یک چمدان سبک حرکت می کنند.

- ارتباط انسانها با زمان: گرچه طول زندگی ما با چند نسل گذشته تفاوت زیادی نداشته است، اما عرض زندگی مان بیشتر شده و تجربیاتی بسیار بیشتر را از هموعان خود در نسلهای گذشته درک می کنیم. در طول چهل سال تجربیات متنوع و متفاوتی را می بینیم که قبلا برای درک آنها شاید یک قرن زمان لازم بود.

بنابراین به لحاظ فلسفی آثار تحولات معاصر در ارتباطات اجتماعی انسانها با یکدیگر را میتوان در سه شاخصه دانست که مهمترین آنها عبارتند از:

- بی تفاوتی اخلاقی: بی تفاوتی اخلاقی در روابط میان فردی مخصوصا در میان نسل جوان معضل جدی شده است. نمونه های فراوانی از این بی تفاوتی در صحنه های ارتباطات اجتماعی و حتی روابط خانوادگی نیز دیده می شود:

- خانه های سالمندان

- عدم اعتقاد به زندگی در کنار پدر و مادر زوجین پس از ازدواج

- بی اعتقادی نسبت به واژه هایی مثل: اعتماد، وفاداری، دوستی بی شائبه و...

- فردیت ذره ای یا سلولی: مناسبات موجود در ارتباطات چه مناسبات پیشرفته شهری و چه مناسبات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، افراد را تنها کرده است. هرکس به فکر شخص و منفعت شخصی خود است. این تنهایی با احساس تنهایی و بی کسی، موضوع بحث فراوانی قرار گرفته است. چرا رقم طلاق در آمریکا ۵۲ درصد و در انگلستان ۴۲ درصد است؟ چرا در حالیکه تولیدات بشر آنقدر پیچیده و کارساز و زیبا و خوب است، انسان سازنده این کالاها، خود رشد همه جانبه نکرده است؟ و در ارتباطات اجتماعی با دیگران، دچار این همه مشکلات شده است؟

در خانه زیاد پیش می آید که افراد ناهار و شامشان را تنهایی و نه در کنار هم بخورند، حشر و نشر با اعضای خانواده هم کم شده، صحبت های توی خانه بیشتر بوی پول و چانه زنی بر سر منفعت شخصی را میدهد، در چنین وضعیتی چه توقعی برای برقراری ارتباطات اجتماعی سالم و موفق با مردم می توان داشت؟

- بی هویتی و بی هدفی: در ارتباطات اجتماعی امروز، رفتار به ویژه نسل جوان دچار نوعی بی هویتی و بی هدفی شده است. انگیزه ی رشد و تعالی و انگیزه لازم برای ارزش های موجود بشری را احساس نمی کنند. بعضی ها تعبیر می کنند که نسل امروز ما دچار «بی تفاوتی ارزشی» شده اند. می گویند ارزش های اخلاقی - فرهنگی ما بی پشتوانه شده است و قادر به دفاع و تثبیت آن نیستیم. مایه های عمیق فرهنگی که پشتیبان این ارزشها باشد، سست شده و به نوعی فقر فرهنگی دچار شده ایم و همین هم هست که به راحتی جذب علائم و آداب فرهنگ بیگانه میشوند و به نوعی به برقراری ارتباطات اجتماعی، اهمیتی داده نمی شود.



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

۶. علت حصر شدن ارتباطات اجتماعی مطلوب افراد در سبک زندگی

آدمی از آغاز به اقتضای فطرت کمال جویش به کمال گرایش نشان می دهد، بگونه ای که کمال را دوست می دارد و به آن علاقمند می شود. علاقه و گرایش نوزاد به مادر، با این احساس که مادر نیازش را برآورده می سازد، از آغازین نمودهای این حقیقت است. البته از آنجا که انسان، پیش از یافتن هر کس، ابتدا خود را می یابد، پس طبیعی است که خود را دوست بدارد و به خود علاقمند باشد که از آن به «حب ذات» تعبیر می کنند. علاقه به خود از آغاز حیات با انسان همراه است، ولی این علاقه مانع از توجه او به کمالات دیگران نمی شود. با تربیتهای ناصواب که شرح آن از عهده مقاله خارج است، توجه آدمی به خود معطوف و محصور شده و در حصر خویش گرفتار می شود، بگونه ای که خود را می بیند، به خود می اندیشد، خود را دوست دارد، برای خود می طلبد و از آنچه به زیانش است می گریزد. اگر در سبک زندگی به دنیا رو می آورد، برای خود رو می آورد و اگر حاضر به اطاعت از فرامین الهی بشود نیز برای مصلحت دنیا و آخرت خویش چنین می کند؛ اگرچه در اندازه نگاه به خود، بین او و دنیا دوستان فرق بسیار است. این توجه به خود، همان چیزی است که از آن به انانیت تعبیر می کنند. البته این نگاه گاه به اندازه ای قوت می یابد که هیچ چیز و هیچکس را جز خود نمی بیند، به خود می بالد و از دیدن کمالات خویش به عجب گرفتار می شود. در مقابل، به ارزشها و کمالات دیگران بی اعتنا می شود تا آنجا که یا آنها را نمی بیند یا با عناوینی از قبیل وظیفه و تکلیف در بی ارزش جلوه دادن کمالات افراد میکوشد، بعبارتی آنان را مورد لطف و محبت خویش قرار نمی دهد و به آنان روی خوش نشان نمیدهد و به تعبیری در زندگی حاضر به برقراری ارتباطات اجتماعی با آنان نیست. به عنوان مثال در روابط میان فردیش اگر از کسی خدمتی مشاهده کند، به جای تمجید و تکریم، می گوید خدمت کردن وظیفه او است و باید چنین می کرد. او نمی خواهد و بلکه نمی تواند خوبی های دیگران را ببیند و برعکس، توجهش به عیوب دیگران به سرعت جلب شده و زبان به ملامت آنها می گشاید. عیبهای خود را نمی بیند و برای هر اعتراضی، توجیهی آماده می سازد. این است که می توان گفت، نشان دادن ارتباط اجتماعی مطلوب با دیگران را در خویش زندانی ساخته و از دوست داشتن دیگران و محبت کردن به آنان عاجز می شود. خود را دوست دارد، شیفته خود می شود و حتی با هر کس دوستی کند، نه برای آن است که او را دوست دارد، بلکه فقط برای آن است که او را برطرف کننده ی نیازی از نیازهای مادی یا روحی - روانی اش در مکان و یا زمانی خاص می بیند؛ از این رو تنها است و از تنهایی رنج می برد و صد البته که این تنهایی، نتیجه ی خودخواهی های خود او است؛ چرا که فقط خود را باور دارد، فقط خود را می بیند و ارتباطات اجتماعی اش با دیگران ارتباطی ابزاری است، به این معنا که دیگران را به چشم ابزاری در برآورده کردن نیازهایش می نگرد.

۷. برقراری ارتباطات اجتماعی مناسب در سبک زندگی، مهارت یا معرفت

برخی معتقدند که برقراری ارتباطات اجتماعی مناسب در سبک زندگی، مبتنی بر نوعی معرفت است ولی با آن تفاوت های اساسی دارد. این نکته سبب شده که برخی مانند اریک فروم، این مقوله را از سنخ هنر یا مهارت بدانند. به اعتقاد آنان، برخی از انسانها، چگونگی ارتباطات اجتماعی مطلوب با مردم را مهم نمی دانند یا با آن



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

آشنا نیستند. این سخنان بدین معناست که آنها این هنر یا مهارت را ندارند، برخی هم آن را بسیار ساده و حتی بی ارزش به شمار می آورند. همچنین آنان می گویند، نخستین قدم این است که بدانیم «ارتباطات اجتماعی موثر یک هنر است» همانگونه که زیستن یک هنر است. اگر بخواهیم یاد بگیریم که چگونه می توان به دیگران مهربانی نماییم، باید همان راهی را انتخاب کنیم که برای آموختن هر هنر دیگر مانند موسیقی، نقاشی، نجاری، طبابت یا مهندسی بدان نیازمندیم. برای آموختن هر هنر معمولاً باید دو مرحله را پیمود: اول. تسلط بر جنبه ی نظری و دوم. تسلط بر جنبه عملی آن. اگر بخواهیم هنر پزشکی را بیاموزیم، باید اول بدن انسان و بیماری های گوناگون آن را بشناسیم، اما پس از آنکه همه معلومات نظری را کسب کردیم، هنوز این شایستگی را نداریم که ما را پزشک خطاب کنند. تنها پس از تجربه فراوان ممکن است در این کار مسلط شویم؛ یعنی وقتی نتیجه معلومات نظری ما با آنچه از راه تجربه بدست آورده ایم با هم یکی شود، در ما بصیرت که اساس تسلط بر هر هنری است، به وجود می آید ولی غیر از یادگیری نظری و عملی، عامل سومی نیز برای تسلط بر هر هنری لازم است و آن اینکه تسلط بر هنر مورد نظر باید هدف غایی شخص باشد؛ یعنی در جهان چیزی نباید در نظر او مهم تر از هنر جلوه کند. این در مورد موسیقی، طب، نجاری و هنر برقراری ارتباطات اجتماعی نیز صدق می کند.

پیداست که طبق نظریه فوق، برقراری ارتباطات اجتماعی مناسب در سبک زندگی صرفاً نوعی معرفت نیست، بلکه بیشتر به مقوله ی مهارتها شبیه است.

اما اگر آدمی بصورت واقعی و با دقت عقلی، رحمت و محبت خداوند نسبت به همگان و نیز خُلق نیک و خوشی را که خداوند خطاب به پیغمبر برگزیده اش سفارش نموده است آثارش را شناسایی نماید و در عین حال خواهان سعادت حقیقی باشد، بی تردید تمام حرکات درونی و بیرونی خود را در ارتباطات اجتماعی به شکلی، نظام و سامان می بخشد که به حضرت حق متصل شود و از این طریق علاوه بر بردن گوی سعادت، خوشبختی و نیکبختی را نیز برای خودش رقم می زند. اما در مقابل، اگر چنین نباشد حرکات ناآگاهانه وی، نه تنها او را به جایی نمی رساند، بلکه دچار زحمت و زیان فراوان نیز می نماید.

حضرت علی (ع) نیز در رابطه با حرکت بر پایه ی معرفت فرمود: «ما من حركة الا وانت محتاج فیها الی معرفه؛

هیچ حرکتی نیست، مگر اینکه تو نسبت به آن نیازمند به معرفت و شناخت هستی» [اعلامه مجلسی، بحار الانوار، ص ۲۶۸].

پس با توجه به آنچه بیان شد، نکته ی بسیار روشنی که درباره ارتباطات اجتماعی مطلوب در سبک زندگی وجود دارد، این است که این مساله نتیجه ی معرفت است؛ چرا که رفتار مناسب محصول پرفایده معرفت و آگاهی است. معرفتی که ابزارش حواس ظاهری و باطنی است. انسان زمانیکه به درجه ی بالایی از معرفت و شناخت حقیقی میرسد، قادر است که نسبت به بندگان خدا دارای ارتباطی شایسته، نیک و مطلوب باشد.

۸. سبک زندگی، انسان، ارتباطات اجتماعی و اسلام

هر مکتب فلسفی و اندیشه گری، از انسان تعریفی به دست می دهد که چه بسا با تعریف دیگر همگون یا ناهمگون است. با نگاه به تعریف انسان و واشکافی آن می توان به جان مایه ی فکری و فلسفی هرکس پی برد.



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

در این تعریف های رنگارنگ و گوناگون به کوشش هایی برای ارج نهادن به بشر و ارزش او بر می خوریم که در پوششی از اندیشه گری و رمز آفرینی گنجانده شده است.

آنچه انسان را به اسلام پیوند می دهد، همان دین یا راه پیوند آفریده با آفریدگار است. واژه ی دین در قرآن بیشتر به «خدا» و «حق» اضافه شده است. انسان دارای دو بُعد پهناور و شگفت آفرین مادی [طارق/۶-۵، علق/۲، مرسلات/۲۰، فرقان/۵۴، مومن/۶۷] و معنوی [سجده/۹، حجر/۲۹] است که در قرآن بدان پرداخته شده است. انسان شناسی قرآن با واشکافی زیر و بمهای آن، از آفرینش تا کمال، نشان دهنده اهمیتی است که انسان در دستگاه اندیشه گری اسلام دارد [اسراء/۷، تین/۴، مومنون/۱۴-۱۲]. هنگامیکه آدم جانشین خداوند در زمین می شود [بقره/۳۰، انعام/۱۶۵] آمادگی دارد تا همگی نام های او را بیاموزد. این شایستگی و آمادگی هنگامی به اوج شکوه خود می رسد که می بینیم آموزگار آدم، خود خدا است. فرشتگان این نیک بختی را نیافتند تا جانشین خدا شوند و از جام آگاهی و دانایی او بنوشند، و در اینجا بود که رشک ورزیدند [بقره/۳۰].

انسان در سبک زندگی از منظر اسلام، مسئولیت و رسالتی سنگین بر دوش دارد [احزاب/۷۲]. به همان اندازه که ارزش انسان، به خودی خود و در جایگاه شاهکار آفرینش و نمود صفتهای خداوندی بس گرانبار است، مسئولیتی سنگین و سهمگین دارد. پذیرش بار سنگین امانت خداوندی و جانشینی وی در زمین به وسیله ی انسان ناآگاه و تاریک [همان]، پس از آموختن نام های خدا، موجب شد تا او به درجه ای از آگاهی و روشنایی برسد که هم شاهکار آفرینش به شمار آید و هم داننده ی عشق و شور و آفرینش گری شود. علاوه بر این، همین انسان به عنوان موجودی کمال جو و آرمانگرا به منظور پاسخگویی به حقیقت ذاتی «اجتماعی بودن» [حجرات/۱۳] و تامین نیازهای متنوع خود در زندگی نیازمند برقراری ارتباطات اجتماعی شایسته با دیگران از طریق معاشرت، تبادل افکار و... است. از دیدگاه اسلام، در سبک زندگی متعالی و آرمانی، الگوی ارتباطات اجتماعی انسانها با یکدیگر دارای خطوط کلی است که در دو مرحله اندیشه و عمل پایه ریزی شده است. در مرحله اندیشه این مساله بر اصولی چون «خیرخواهی»، «محبت و مودت»، «حُسن ظن» و... مبتنی است و در مرحله عمل نیز آداب و وظایف خاصی قرار داده است که پایه ی آن را ایمان به خدا، تقویت روح فضیلت و انسانیت تشکیل می دهد.

۹. انسان از دریچه ی چشم امام صادق (ع)

برای آنکه به تبیین سبک زندگی از منظر امام جعفر صادق (ع) در الگوی ارتباطات اجتماعی بپردازیم، نخست باید آگاه شویم که نگاه امام (ع) به انسان از جنس چه نوع نگاهی است؟ و در منظر ایشان جایگاه انسان کجاست؟

دیدگاه امام صادق (ع) درباره انسان، جایگاه و منزلت او، بازتاب اندیشه های قرآنی و آموزه های پیامبری است. نام انسان ۶۳ بار در قرآن آمده است. گذشته از آیه هایی که درباره ی آفرینش، بزرگ داشت، گرمی داشت، روان شناسی و ویژگی های انسان آمده، دو آیه بگونه ای برجسته، از اهمیت و ارجمند بودن او سخن گفته است. یک جا خداوند به فرشتگان از جانشین ساختن انسان بر روی زمین خبر می دهد و اینکه فرشتگان از چنین کاری سترگ و خطرآمیز به شگفت می آیند «و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت که من در زمین جانشین می گذارم،



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

فرشتگان گفتند: آیا کسی را بر زمین می گذاری که تباهی کند و خون ریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، تو را تسبیح می گوئیم و تقدیس می کنیم. خداوند فرمود: من آنچه شما نمی دانید می دانم. [بقره/۳۰].

در آیه ی دیگر، پروردگار جهانیان از گرایش انسان به جای دیگر آفریدگان برای بردوش کشیدن بار سنگین و سهمگین «امانت» سخن می گوید «انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا؛ ما به آسمانها و زمین و کوهها این امانت را پیشنهاد کردیم، پس آنها از کشیدن بار آن خودداری ورزیدند و از آن به هراس افتادند و انسان آن امانت را بر دوش گرفت. همانا او بسیار گستاخ و نادان بود» [احزاب/۷۲].

ساختار چهارگانه ای که در این دو آیه دیده می شود، عبارتست از: انسان، زمین یا بگونه ای همگانی طبیعت، پیوندی معنوی که انسان را از یکسو به زمین و طبیعت و از دیگر سو به همزاد و همنوع خویش وابسته می سازد و خداوند.

بنابراین با این توصیف، در اندیشه توحیدی امام صادق (ع) نقش انسان در زندگی اش، همان نقش جانشرینی و امانت پذیری است. بدین گونه، سرشت و گوهر بستگی و پیوستگی انسان و طبیعت، پیوند میان امین با امانتی است که بدو سپرده اند و نه پیوند میان دارنده (مالک) و داشته و برده (مملوک). اینجا است که پیوند انسان با انسان، پیوند برتری جویی، خدایی کردن، تقدس گرایی یا دارندگی و مالکیت نیست. در این نگاه، هر بخش و پاره ای، درون این ترکیب و چارچوب جا میگیرد. زمین و آنچه در آن است، در دست بشر امانتی بیش نیست و انسانها در کشیدن بار امانت و جانشرینی خداوند با هم شریکند.

هنگامی که از امام صادق (ع) در مورد جایگاه انسانها سوال کردند، در پاسخ با اشاره به داستان آدم فرمودند: خداوند به فرشتگان دستور داد تا در برابر کرامت و منزلتی که به انسان ارزانی داشت [اسراء/۷۰]، به پای او بیفتند [حجر/۲۹، بقره/۳۴] و پیش او سر خم کنند و با استشهاد به کلام علی (ع) فرمودند: «آنگاه از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند، ادا کنند و عهده ی او را که پذیرفته اند وفا کنند. سجده ی او را از بُن دندان بپذیرند و خود را خوار و او را بزرگ گیرند...» [نهج البلاغه، خطبه ۱].

بنابراین انسان در اندیشه امام صادق (ع) در سبک زندگی، صاحب شرافت و فضیلتی خاص است که خداوند وی را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیده است «... و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا؛... و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم» [اسراء/۷۰] و در حقیقت با چنین بینشی است که ایشان در سبک زندگی الگوی ارتباطات اجتماعی خویش را بر این اساس نخست بنا می نهد و سپس به دیگران نیز استوارسازی چنین ارتباطاتی را توصیه می نماید.

امام صادق (ع) با نگاه انسان شناسانه و روان شناسانه به مطالعه ی نیازهای معنوی و کمال انسان پرداخته و تامین این نیازها و نیز برقراری این مساله - ارتباطات صحیح اجتماعی - را در سایه دین و تعالیم قرآن امکان پذیر می داند.

۱۰. امام صادق (ع)، بایستگی و اهمیت ارتباطات اجتماعی شایسته در سبک زندگی

همان گونه که در قسمتهای پیشین - سبک زندگی، ارتباطات اجتماعی و دنیای معاصر - به بیان دیگر اشاره



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

شد، «مجاورت بدون صمیمیت» و به تبع آن احساس تنهایی، پدیده ای جهانی است که با درنوردیدن مرزها، عضو درونی شده ی هراجتماعی است. این پدیده، در سبک زندگی همه قشرهای اجتماع، از تهیدست و توانگر تا پیر و جوان و زن و مرد را در بر میگیرد و از شاخصهای ویژه ی جوامعی است که ارزش های اجتماعی را فدای ارزشهای فردی کرده اند.

پژوهش ها درباره ی همه گیری شناسی احساس تنهایی، گویای آن است که احساس تنهایی که همان برداشت ذهنی فرد است و از کمبود و یا فقدان ارتباطات رضایت بخش اجتماعی حکایت می کند، گریبانگیر شمار انبوهی از افراد جامعه است.

بر پایه گزارشها، احساس تنهایی در ۴۰ درصد افراد در جامعه ی آمریکایی وجود دارد و ۲۷ درصد دانشجویان ایرانی نیز طبق بررسی ها، بیش از یکسال احساس تنهایی کرده اند [حجت، روان شناسی کاربردی، ص ۴۲].

در پژوهشی دیگر که دختران نوجوان ایرانی در تهران را مورد قرار داده است، ۳۶ درصد از این نوجوانان اظهار داشته اند که حداقل به مدت یکسال آنان نیز چنین احساسی را تجربه کرده اند.

از دیدگاه روان شناسی اینگونه تنهایی ها و عدم برقراری ارتباطات اجتماعی، هم ناخواسته است و هم ناخوشایند و هم در برخی موارد، درازمدت نیز می باشد.

حال ممکن است برخی اینگونه اظهار نظر کنند که تنهایی همیشه بد نیست، چراکه گاهی اوقات همین تنهایی دستمایه ی آفرینش آثار هنری نیز بوده است؛ به طوریکه افسانه سرایان، نویسندگان، شاعران، نمایشنامه نویسان، فیلمسازان، نقاشان، مجسمه سازان، موسیقی دانان و هنرمندان دیگر، هر یک بگونه ای تاثیرات خویش را از تنهایی تجسم بخشیده اند و این خود نشانگر آن است که احساس تنهایی ریشه های ژرف در بُنِ عواطف و روان انسان دارد؛ به واقع نیز چنین است. اما این نوع تنهایی هنرمندان، از جنس تنهایی سایر افراد عادی نیست، بلکه تنهایی آنها برای تمرکز حواس و بکارگیری هر چه بیشتر توان خویش در وادی هنر است. پس باید این احساس تنهایی آنان که یک تجربه ی موقت و زودگذر است را جدای از تنهایی مورد بحث ما به شمار آورد. زیرا اینان پس از مدتی جای خود را به مناسبات اجتماعی نوین و خلاقیت های هنری شگفت آوری می دهند.

به هر حال احساس تنهایی، به گفته ی جامعه شناسانی چون «بومن»، «رایزمن» و «اسلاتر» بی تردید پیامد شیوه های نادرست ارتباطات اجتماعی انسان در سبک زندگی در جامعه ی مدرن است که در آن افراد به یادگیری و کاربرد فلسفه نادرست استقلال تام فردی و بی نیازی از دیگران تشویق می شوند. در چنین جامعه ای، انسان در تلاش بیهوده خود برای رسیدن به هدفهای بلند پروازانه ی زندگی بی معنی اش، به سبب دوری از شبکه ی اجتماعی افراد خانواده و آشنایان در سختی های زندگی نه انگیزه ی یاریگری دارد و نه یآوری دیگران را پذیرا می شود بی تردید تنهایی پیامد چنین موقعیتی است.

تمامی این مسائل در حالی است که برقراری ارتباط با افراد خانواده و پس از آن در محیط اجتماع و نیک دانستن اصل دوستی و همیاری از مهمترین تعالیم قرآن، سیره و سنت نبوی، ائمه هدی و از آن جمله امام صادق (ع) محسوب می شود و به کرات راهکارهای موثر برای استوارسازی الگوی ارتباطات اجتماعی بر پایه ی ایمان و تحقق پیوند برادری توصیه و تاکید شده است.

حضرت صادق (ع) در بیان اهمیت این مساله خطاب به یارانشان آموزه پدر بزرگوارشان را تکرار می فرمایند:



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

«فان المومن لا يستغنی عن اخیه؛ همانا مومن در زندگی خویش بی نیاز از برادر مومنش نخواهد بود» [ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۳۵]. البته امام صادق (ع) در این زمینه مرز این نیازمندی و دوستی را چنین یادآور می شوند: «...به کسی که مانند غذا در هر زمان به او نیاز هست و... کسی که وجودش برای فرد همانند داروی حیات بخش است و آن رفیق روشن بین و اهل تفکر است... و بی نیازید از کسیکه مانند بیماری و درد، رنج آور است و او انسان احمق و نادان است» [بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷]. به واقع نیز چنین است که انسان در ارتباطات اجتماعی خویش در همنشینی به انسان های شفیق، عاقل و خردمند جهت ساماندهی سبک و سلوک زندگی نیازمند است و در مقابل بی نیاز از همراهی با انسانهایی است که امام صادق (ع) به زیبایی به آن اشاره نموده است. به هر تعبیر محیط اجتماع و ارتباطات میان افراد است که از سویی همه فعالیت ها و رفتارهای مختلف انسان را هماهنگ و متناسب با محیط پیرامونش می کند و از سوی دیگر مهمترین پالایش و تحولات را در ارتباطات اجتماعی آنان ایجاد می نماید؛ ارتباطاتی که تنها به منظور انتقال معانی انجام نمی پذیرند، بلکه به تولید معانی و مبادله شناخت های دیگر افراد از هم نیز منتهی می شود.

بنابر تعالیم والای امام صادق (ع)، انسان موجودی اجتماعی است که بهزیستی وی در مناسبات اجتماعی از یکسو و خشنودی اش از شبکه پشتیبانی اجتماعی از سوی دیگر، پیوندی تنگاتنگ دارد و انسانی که از برقراری ارتباطات اجتماعی نیک با دیگران گریزان است و در مسیر تنهایی گام می نهد در جهتی مخالف با طبیعت اجتماعی انسان قدم بر می دارد.

۱۱. امام صادق (ع) و جلوه های زیباشناختی ارتباطات اجتماعی

حاکم شده بر سبک زندگی ارزشی

جهت تبیین جلوه های زیباشناختی ارتباطات اجتماعی در سبک زندگی در منظر امام صادق (ع) بایسته است این مساله از سه زاویه بسترها و زیرساختها، پایه ها و اصول و نیز شیوه ها و فنون البته با تطبیق اندیشه های حضرت (ع) بر قرآن کریم و نیز اصول روان شناسی روز همچون قسمتهای پیشین مورد بررسی قرار گیرد:

۱-۱۱) بسترها و زیرساخت های مناسب در فرهنگ ارتباطات اجتماعی حاکم بر سبک زندگی متعالی

اما هدف از بسترسازی و زمینه پردازی برای ظهور و شکوفایی الگوی ارتباطات اجتماعی مطلوب در اندیشه امام صادق (ع) بر سبک زندگی متعالی چیست؟ و چرا باید این زیرساختها را بنیان یا تقویت و توسعه داد؟ در مورد این مساله در اندیشه امام صادق (ع) باید اظهار داشت که تحقق این امر، در گرو برطرف ساختن موانعی چند و فراهم آمدن بسترها و زیرساخت های مناسب است. مهم ترین این موانع عبارتند از: فقدان یا ضعف پشتوانه های اعتقادی در الگوی ارتباطات اجتماعی، وجود پاره ای از خصایص منفی اخلاقی همچون تکبر، تعصب، لجاجت و...، تلقی نادرست از برخی مفاهیم رفتاری مثل عدم مرزبندی قاطعیت با عصبانیت، اعتماد به نفس با تکبر و...، نبود انگیزه ی لازم برای تغییر و اصلاح، ناآگاهی از آداب، شرایط و برقراری ارتباط در عرصه های گوناگون و از آن جمله ارتباطات اجتماعی. جهت برطرف نمودن این موانع و آسیبها، برای ایجاد یک بستر مناسب در برقراری ارتباطات اجتماعی حسنه، توجه به زیرساختهای ذیل در اندیشه امام صادق (ع) می تواند موثر و سودمند باشد:



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

۱-۱۱) خودسازی و رشد شخصیتی

شخصیت ترکیبی از ویژگیهای روانی، بدنی، زیستی و اجتماعی است که بتدریج برای شخص حاصل میشود و به فرد چگونگی رفتار و تطابق با محیط را که با عاطفه و احساسات همراه است، القا می کند. حال در اینکه شخصیت انسان، معلول چه عواملی است دیدگاههای متفاوتی ابراز گشته است؛ برخی شخصیت را وراثتی می دانند و بر این باورند که شخصیت هر فردی از پیش تعیین گشته است و ویژگیهای او با وی متولد میشود، در اینصورت هیچ جایی برای تاثیر عوامل بیرونی در شخصیت آدمی باقی نمی ماند و برخی دیگر نیز تنها عامل موثر بر شخصیت را تربیت و عوامل محیطی می دانند و براساس این دیدگاه اعتقاد دارند که شخصیت هر کسی با انتخاب و آگاهیهای خود او ساخته می شود.

اما به نظر می آید معتقدان به دو دیدگاه یاد شده، هر دو به افراط و تفریط رفته اند؛ زیرا شخصیت پرتنوع آدمی چیزی نیست که فقط معلول ساختار فیزیولوژیک و عوامل درونی باشد و یا پدیده ای شکل گرفته از تربیت و عوامل بیرونی. بلکه شخصیت، سازمانی پیچیده است که از حالات و ویژگیهای جسمانی و روانی تاثیر می پذیرد و تنها دیدگاه پذیرفتنی که آن را می توان تلفیقی از دو نظریه ی اول و دوم دانست، دیدگاه اسلام است که شخصیت را هم متأثر از عوامل درونی و سرشتی می داند و هم از عوامل محیطی و بیرونی. پس شخصیت تاثیر مستقیمی در رفتارهای آدمی با دیگر افراد جامعه دارد. از اینرو، شناخت عوامل و عناصری چون: ایمان، خردورزی، نیک رفتاری، عبادت و پرستش، علم و آگاهی، عفت و پاکدامنی، همانندی و همراهی با الگوها و... سبب رشد و شکوفایی قابلیت‌های شخصیت انسانی در الگوی ارتباطات اجتماعی اش میشود، پس امری مهم و ضروری است.

در این میان حضرت صادق (ع) نیز در اندیشه های معرفت آفرین خویش از کنار این مساله به سادگی عبور نکرده است و اعتقاد دارد اولین عاملی که در فرهنگ ارتباطات اجتماعی به عنوان زیرساخت در خودسازی و رشد شخصیت موثر است، حسابگری نفس و نیز مبارزه با نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی می باشد. از این رو ایشان می فرمودند: «...هر مسلمانی که ما را می شناسد، شایسته است که رفتار و کردار خود را در هر شبانه روز بر خود عرضه دارد و حسابگر نفس خویش باشد تا اگر کار نیکی در آنها دید، بر آن بیفزاید و اگر کار بدی در اعمال خود مشاهده نمود، از آنها توبه کند تا در روز قیامت دچار ذلت و حقارت نشود» [تحف العقول، ص ۳۰۱]، و در ادامه فرمودند: «گمراهترین مردم نزد خداوند کسانی هستند که تابع هوای نفس و رای نابهنجار خویشند» [شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۸] و در جای دیگر نیز اظهار داشتند که: «بیدار باشید سپس محاسبه کنید نفستان را قبل از آنکه مورد محاسبه قرار گیرید...» [همان، ج ۲، ص ۲۰۰]؛ چرا که تا وقتی صفات پسندیده در دل و روح آدمی ریشه ندوانیده باشد، انتظار رفتار و گفتاری نیکو و برقراری ارتباطی شایسته و سالم در اجتماع نیز، انتظاری نابجاست.

لذا ایشان در جای دیگر با استشهاد به آیه ای از قرآن کریم خطاب به یکی از یارانشان که از او عمل خلافی سر زده بود، فرمودند: «و ما ابری نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم؛ من هرگز نفس خویش را تبرئه نمیکنم؛ که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر میکند، مگر آنکه پروردگام رحم کند که پروردگام غفور و رحیم است» [یوسف/۵۳]. و در ادامه فرمودند، پدرم چه پر معنا از پدرانش نقل می کند که: «افضل المعرفه، معرفه الانسان نفسه؛ برترین معرفت آن است که انسان نفس خود را بشناسد» [بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۴۰]. و در بیان اهمیت این مساله به نقل



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

از پدرشان نیز میفرمودند: «... و لا معرفه کمعرفتک بنفسک؛ هیچ معرفتی - در شرافت و ارجمندی و ثمربخشی - به پای خودشناسی نمیرسد» [همان، ص ۱۶۵]. و در ادامه در یک دستور عملی خطاب به همگان عرض نمودند: «و سُد سبیل العجب بمعرفه النفس؛ راه عجب و خود بزرگ پنداری را به وسیله خودشناسی، مسدود کنید» [تحف العقول، ص ۲۰۷] و نیز از کشش نفس به سوی حرام خدا بپرهیزید، زیرا کسی که در دنیا از محرمات نپرهیزد از نعمت ها و لذتهای دائمی حق که مخصوص اهل بهشت است، محروم خواهد بود» [اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰].

پس ارزش خودسازی و رشد شخصیتی در ارتباطات اجتماعی تا آن جاست که آموزه های اسلامی نیز فرد بی توجه به نفس را فرومایه دانسته است: «کسی که به لحاظ تسلط به امور دنیوی سرگرم شود و در روابط با خلق خدا کوتاهی ورزد، فرومایه است» [بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵] و در یک دستورالعمل همگانی توصیه می شود که: «از پیروی هوای نفس بر حذر باشید که سبب سقوط و هلاکت است» [همان].

لذا باید به تمامی آموزه های فوق در اندیشه ی امام صادق (ع) و نیز دستورالعمل های اسلامی عمل نمود و توجه داشت که: «بالاترین جهاد آدمی، جهاد با نفس خود است» [نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۴] و هر کس چنین باشد، قطعاً مشمول این آیه شریف است که: «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنه هی الماوی؛ کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس خود را از هوا و هوس باز دارد، بهشت جایگاه او خواهد بود» [نازعات/۴۱].

۲-۱۱) باورمندی به نظارت دائمی پروردگار

باورمندی به نظارت دائمی پروردگار و احساس حضور او، دگرگونی ژرفی در روح و فکر آدمی و در نتیجه، گفتار و رفتار نیک او در ارتباطات اجتماعی ایجاد می کند و وی را وای دارد سخنانی سنجیده و پاک بر زبان جاری سازد.

بر مبنای چنین طرزتفکری است که امام صادق (ع) در وصف مومنان واقعی و غفلت نوری از یاد پروردگار خطاب به یارانشان سخن ارزشمند پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) را یادآوری می فرمودند که: «مومنان هرگز دل به بقای در دنیا نبسته و خویش را ایمن از حضور در صحنه ی قیامت نمیدانند. آنان آخرت را خانه قرار و آرامش و جاودانگی می پندارند و دنیا را خانه ناپایداری و فناوولی دنیادگان، گرفتار غفلتند و چنین می نمایند که تنها مومنان، دارای درک عمیق و اهل فکرو عبرتند. اینانند که نواها و پیامهای دنیایی گوششان را از شنیدن یاد خدا کر نمیسازند و جلوه ها و زینتهای دنیا، چشمانشان را بر یاد خدا کور نمی گرداند...» [بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶].

در ادامه حضرت (ع) در توصیف سعادت‌مندان و بهره وران از نعمتهای اخروی می فرمودند: «به واقع اینان کسانی هستند که هرگز از یاد خدا و ذکر او خسته و ملول نمی شوند» [همان، ج ۷۸، ص ۱۶۵].

و در پایان کلامشان پیرامون آثار این مساله - یاد و ذکر خداوند - اظهار داشتند: «صاعقه ها (آفات و زبانه‌ها) هم به مومنان اصابت میکند و هم به غیرمومنان و تنها در این میان کسانی از آسیبهای صاعقه در امان می باشند که قلب و زبانشان به یاد خدا باشد» [الاصبهانی، حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۱].

حضرت (ع) خود نیز مرتب تکرار میفرمودند که: «الله کل شیء؛ خداوند آفریدگار هر چیز است» [بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷] پس از حق تعالی می خواستند تا «رب لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء لا اقل من ذلک و لا اکثر؛ پروردگارا! مرا به اندازه یک چشم بر هم زدن و نه کمتر و نه زیادترب، به خویش وامگذار» [اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۱]. از اینرو، ایشان برای



بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

ساماندهی رفتار و گفتار در ارتباطات اجتماعی انسانها، آگاهی و نظارت الهی را همواره خاطر نشان میساختند و بدین تمثیل زیبای قرآنی اعتقاد داشتند که: «ما یكون من نجوى ثلاثة الا هو زابعهم و لا خمسة الا هو سادسهم و لا ادنى من ذلك و لا اكثر الا هو معهم این ما كانوا، ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیامه؛ هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست، مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن، مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این (عدد) و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنهاست، آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید» [مجادله/۷].

و نیز می فرمودند خداوند بر هر انسانی، فرشتگانی را مامور نموده است تا سخنان وی را ثبت نمایند: «ما یلفظ من قول الا لده رقیب عتید؛ (آدمی) هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده، نزد او (آن را ضبط می کند)» [انفطار/۱۲-۱۰].

ترسیم چنین اندیشه های قرآنی از امام صادق (ع) جهت بسترسازی در الگوی ارتباطات اجتماعی جای شگفتی ندارد، زیرا ایشان در مکتبی پرورش یافته است که یاد خدا از مهمترین اعمال آنان محسوب شده است [بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۵].

۳-۱-۱۱) اندیشیدن پیش از سخن

به زبان آوردن هر سخنی، افزون بر ایجاد مشکلات متعدد در تعامل با افراد مختلف اجتماع و تضعیف و ناکارآمد کردن ارتباطات اجتماعی، پیامدهای فراوان مادی و معنوی دیگری را در پی دارد. از سوی دیگر، ارتباط، فرایندی برگشت ناپذیر است و ممکن است یک ارتباط کلامی نادرست، در ارتباطات اجتماعی معضلی جبران ناپذیر بیافریند که به هیچ روی قابل بازسازی نباشد. همانگونه که امیرمومنان علی (ع) میفرماید: «فاذا تکلمت به صرت فی وثاقه؛ چون سخن بر زبان رانی، در بند آنی» [حرعاملی، وسائل الشیعه، ص ۳۰۰]. امام صادق (ع) نیز با تایید و نیز تاکید بر کلام خاندان بزرگوارشان می فرمودند: «این زبان کلید بدی و خوبی است، بر زبانت مَهر بزن؛ چنانکه برداراییها و طلا و نقره ات مَهر می زنی (و آنها را در مکانی محفوظ نگاه می داری)» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۴] و نیز: «خدای رحمت کند و مورد رحمت و بخشش خویش قرار دهد، بنده ای را که پیش از به زبان راندن سخن اندیشه کند و زبانش را نگاه دارد...» [تحف العقول، ص ۳۴۲]. و در ادامه فرمودند: «هیچ کس از گناهان در امان نیست، مگر اینکه زبانش را در دهان حبس کند و مخزون نماید تا ناروایی نگوید» [همان].

بنابراین در اندیشه امام صادق (ع) در ترسیم الگوی ارتباطات اجتماعی، خردمند دوراندیش، پیش از آغاز سخن اندکی درنگ میکند، اندیشه اش را به کار میگیرد و آثار و پیامدهای احتمالی سخنان خود را پیش بینی می کند، آنگاه در صورت لزوم، سخنی سنجیده و آراسته به آداب، بر زبان جاری می سازد.

حضرت (ع) در این باره فرمودند، جدم چه زیبا فرمودند: «زبان مومن در پس دل اوست و دل منافق از پس زبان او، چه، مرد با ایمان چون خواهد سخنی بر زبان آورد، در آن نیک بیندیشد، اگر نیک است، آشکارش کند و اگر بد است پنهانش دارد و منافق می گوید آنچه بر زبانش آید و نمی داند چه به سود اوست و چه به زیانش» [مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۹۷].

به واقع فرمایشات امام صادق (ع) بازتابی از این آیات توحیدی است که: «و پلیدی را برای کسانی که تفکر (و تعقل) نمی کنند قرار می دهد» [یونس/۱۰۰] و آنان را در زمره ی حیوانات به حساب می آورد: «بدترین جانوران در نزد خداوند کرها و لال هایی هستند که تفکر و اندیشه ورزی نمی کنند» [انفال/۲۲].



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

۲-۱۱) پایه ها و اصول حاکم بر رفتار در ارتباطات اجتماعی در سبک زندگی

در منظر امام صادق (ع) پیرامون سبک زندگی در الگوی ارتباطات اجتماعی، آدمی باید معتقد به پایه ها و اصولی باشد تا شالوده تعاملات براساس شایستگیهای رفتاری پی ریزی شود. مهمترین این پایه ها و اصول در مهندسی الگوی ارتباطات اجتماعی امام صادق (ع) عبارتست از:

۱-۲-۱۱) احترام به حقوق و کرامت انسانها

مردم در رفتارهای اجتماعی و چگونگی روابطشان بایکدیگر، به دو دسته تقسیم میشوند و ارتباطات اجتماعی خویش را با یکدیگر از دو دیدگاه پی می ریزند: ۱. رفتار مبتنی بر تکریم و احترام به حقوق همگانی ۲. شیوه ای مبتنی بر اهانت و بی احترامی به دیگران.

نمونه ی دوم رفتار در ارتباطات اجتماعی را در طول تاریخ فراوان می توان یافت که نمونه های بارز آن در رفتار فرعون و فرعون صفتان نمایان است و شیوه ی آنان بر بی احترامی و تحقیر مردم مبتنی است. چنانکه قرآن به صراحت به آن اشاره کرده است: «فاستخف قومه فاطعوه انهم كانوا قوما فاسقین؛ فرعون مردم خویش را کوچک شمرد و آنان از او پیروی کردند، آنها قومی فاسقند» [زخرف/۵۴].

قرآن، فرعون را مظهر برخورد تحقیرآمیز با انسان، معرفی کرده است و به این ترتیب، هرکس در ارتباطات اجتماعی خویش، آنان را به دیده حقارت بنگرد و کوچک شمارد، پیرو فرعون است. در مقابل این گروه، پیامبران و اولیای خدا قرار دارند که در سیره و رفتار خویش در اجتماع با مردم، تکریم انسانها و احترام به حقوق آنان را سرلوحه ی برنامه های خویش قرار داده اند که نماد عینی این گروه، پیامبر اکرم (ص) و از آن جمله حضرت صادق (ع) هستند.

اندیشه امام صادق (ع) در الگوی ارتباطات اجتماعی، دیدگاهی فراتر از دید مسلمان به مسلمانی دیگر است؛ چرا که از دیدگاه حضرت (ع)، آدمی از شرافت و کرامت انسانی خاصی برخوردار است و خداوند وی را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیده است و مصداق عینی فرمایش خویش را استوار بر کلام قرآن میسازد که: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و به ایشان ارج و ارزش دادیم و وسایل حملشان را در خشکی و دریا فراهم کردیم، (یعنی به آنها قدرتی دادیم) که در خشکی و دریا بتوانند خود و وسایلشان را از نقطه ای به نقطه ی دیگر حمل کنند و روزی های خوب و پاک به آنها دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم» [اسراء/۷۰].

نگاه کرامت آمیز و اخلاق مدار امام صادق (ع) به انسان آنچنان که از رفتار و اندیشه ایشان برمی آید، ناشی از این حقیقت است که انسان بعنوان خلیفه خداوند بر روی زمین [بقره/۳۰] از آنچنان شرافتی برخوردار است که سزاوار هیچ برخورد ناشایست و تحقیرآمیزی نیست. شاهد این ادعا، در ارتباطات اجتماعی امام صادق (ع) اندیشه هایی است که هریک به زیبایی به ترسیم الگویی برای خلق روابط حسنه است چنانکه می فرمایند: پدرم به من فرمودند: «...خداوند سه حقیقت را در سه امر نهفته گذاشته است... خداوند بندگان نمونه و دوستانش را در میان خلق ناشناخته گذاشته است، پس هیچ انسانی را تحقیر نکن زیرا ممکن است او از اولیای الهی و بندگان صالح و نمونه ی خدا باشد» [بحار الانوار،



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

ج ۷۸، ص ۱۸۷. در جای دیگر نیز امام صادق (ع) سخن جدشان پیامبر اکرم (ص) را به گروهی از یارانشان یادآور شدند که: «مبادا فردی از انسانها را کوچک بشمارید و تحقیر کنید که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است» [ابی فراس المالکی، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۳۱].

۲-۲-۱۱) مروت و مدارا با همگان

بر اساس روایات نیمی از زندگی اجتماعی و معاشرت با مردم، در گرو مدارا با آنان است [وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱۴]، زیرا رابطه ی خداوند با موجودات نیز بر اساس رحمت [انعام/۱۲، غافر/۷] و محبت و بر بنیان ربوبیت استوار گشته است و ارتباطات اجتماعی افراد با یکدیگر نیز پیوند ناگسستنی «اخوت» [حجرات/۱۰] بنا نهاده شده است و انسان عاقل و باتدبیر کسی است که از این موضوع بهره کامل بگیرد [الامدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۸] و با استفاده ی عاقلانه و مدبرانه از مدارا با مردم، در ارتباطات اجتماعی خود، زندگی درست و منطقی و سالمی را پی ریزد.

و حقیقت نیز جز این نیست که مروت و مدارا در ارتباطات اجتماعی سنتی حسنه و نیک در اسلام است که از گسترش مخالفت ها و دشمنی ها جلوگیری می کند: «الرفق یقل حد المخالفه؛ با اعمال سیاست مبتنی بر رفق و مدارا، مخالفت های اجتماعی کاهش می یابد» [غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۸].

امام صادق (ع) در این زمینه می فرمایند: «بر شما باد سازگاری و مدارا (حتی با بی دینان)، شکیبایی بر ستم آنان و پرهیز و گریز از ستیز و مقابله با آنان با ایشان بنشینید و معاشرت کنید، ولی در گفتار خود با آنان پنهانکاری و تقیه را پیشه کنید، زیرا فرمان خدا هم بر شما همین است» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۷]. و باز هم ادامه دادند که: «آنکس که به واسطه ی سامان یافتن امری با وجود ضایع شدن حقیقت بگذرد و مدارا به خرج دهد، به خاطر اینکه خشمش را اعمال نکرده است، خداوند در قیامت دلش را از خشنودی خویش لبریز می سازد» [همان، ص ۱۱۰].

به واقع نیز چنین است که: «به کسی که اخلاق نیک و روحیه ی رفق و مدارا اعطا شده باشد، در حقیقت همه ارزشها و آسایش ها به او اعطا شده است و وضع او در دنیا و آخرت نیک خواهد بود و آن کس که از اخلاق نیک و مدارا محروم باشد، این محرومیت راهی است به سوی هر بدی و بلا؛ مگر آنکه چنین فردی به امداد الهی از بدیها باز داشته شود» [تحف العقول، ص ۳۳۶] و در آموزه های اسلامی نیز آمده است: «از خُلق های نیکوی پیامبران (ع) مدارا با مردم بوده است و مومن باید این خلق و خوی پیامبرش را الگو قرار دهد و بدان عمل نماید» [شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۷] و «خداوند عزوجل رفیق است (رفق و مدارا با خلق دارد) و رفق را دوست دارد و پاداشی که در برابر رفق و مدارا می دهد، در برابر جبر و ستیز (هر چند برای خیر باشد) نمی دهد» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۹].

لذا امام صادق (ع) در راستای اجرای این امر، تنها به سفارش و مدارا با مردم و رفق و ملایمت در ارتباطات اجتماعی با آنان بسنده نکرد، بلکه خود در عمل و سیره رفتاری حتی در برخورد با مخالفان و دشمنانش در جلسات مناظره همه آنچه را که در بُعد نظری به آن اعتقاد داشت، به کار می بست و پیوسته به یارانشان این دستورالعمل قرآنی را یادآور می شدند که «آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد پس عفو و مدارا نمایید، چرا که و اذا ما غضبوا هم یغفرون؛ (مومنان) کسانی هستند که به هنگام غضب، عفو می کنند» [شوری/۳۷]. در روایتی نیز آمده است: از امام صادق (ع) پیرامون حد این مساله - رفق و مدارا در ارتباطات اجتماعی - سوال شد؟ حضرت (ع) در پاسخ فرمودند: «حد ملایمت تو با مردم تا آنجایی باشد که آنچه از میزان درک و استعداد آنان برتر است را با ایشان در میان



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

نگذاری؛ چراکه در میان گذاشتن حقایق والا با کسانی که طاق و ظرفیت آن را ندارند، موجب ستیزه جویی آنان با ارزشها می شود» [بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۶].

سپس ادامه دادند مگر نشنیده اید که در روایتی رسول خدا (ص) فرمودند: «همانا رفیق، رفیق و نریش همراه هیچ چیزی نخواهد بود، مگر اینکه بر وزانت و زیبایی و جاذبه ی آن می افزاید و از هیچ عملی جدا نخواهد بود مگر اینکه موجب عیب و نقص آن عمل می گردد» [همان، ص ۱۱۹] و نیز کلام پدرش امام باقر (ع) را فرمودند: «اگر رفیق (ملایمت و نریش با دیگران) مخلوقی مجسم بود، دیده می شد که هیچ آفریده ای از آفریده های خداوند به زیبایی و نیکویی آن نیست» [همان، ص ۱۲۰]. و همواره نیز توصیه می فرمودند که به این کلام الهی جامه ی عمل بپوشانید که: «... عفو کنید و صرف نظر نمایید آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است» [نور، ۲۲].

البته تمام توصیه ها و تاکیدات ایشان در این باره با مردم، پیرامون ارتباطات اجتماعی چه در سیره نظری و چه در بُعد عملی فقط با کسانی است که در امور دین سهل انگاری نمی کنند و احیانا تنها در حق حضرت (ع) ظلم و ستمی روا داشته اند؛ در این صورت است که امام صادق (ع) به آسانی از آنان گذشته و پیرامونشان حتی با رفیق و مدارا نیز برخورد نموده است. اما در آنجا که حق خدا پایمال می شود یا احکام الهی به تعطیلی و نادیده گرفتن کشانده می شود و باطل مسلط می گردد، رعایت این مساله در دیدگاه ایشان هیچگونه معنایی ندارد.

رفتار امام صادق (ع) همان فرمایش مولا علی (ع) است که: «لا تدهنوا فی الحق اذا ورد علیکم و عرفتموه فتصروا خسرانا مبینا؛ در حق مدهانه و مدارا روا مدارید، و سستی مکنید هنگامیکه حق بر شما وارد شد و آن را شناختید، زیرا دچار خسران آشکار می شوید» [نهج البلاغه، خطبه ۳۴]. همانگونه که قرآن کریم نیز در حوزه ی اصول و ارزش ها هیچگونه تسامح و سازشی را بر نمی تابد و هرگونه پیشنهاد سازش و معامله بر سر اصول را مردود دانسته اند و می فرماید: «فلا تطع المکذبین و دوا لو تدهن فیدهنون» [قلم، ۹-۸].

بنابراین در بینش قرآنی امام صادق (ع) پیرامون این امر (عفو و مدارا) مرزهای عقیدتی و فکری را در نور دیده و به وسعت انسانیت، گسترش یافته است و هرگز آن را به مومنان محدود نساخته، بلکه تمامی انسانها [آل عمران، ۱۳۴] - خواه مسلمانان [آل عمران، ۱۵۹، فتح، ۲۹، بقره، ۲۳۷] یا اهل کتاب [بقره، ۱۰۹، آل عمران، ۱۸۶، مائده، ۱۳] و مشرک [جاثیه، ۱۴، زخرف، ۸۹، حجر، ۸۵] و نیز گناهکاران [نور، ۲۲، بقره، ۱۷۸، رعد، ۲۳، مومنون، ۴۹] - را در جای خود سازماندهی گذشت و مدارا می داند.

۳-۱۱) شیوه ها و فنون اساسی حاکم بر سبک زندگی در چگونگی ارتباطات اجتماعی

اگر دوست داریم با دیگران در جامعه بهترین ارتباطات را برقرار نماییم و آنها تحت هر شرایطی با ما ارتباطی مطلوب و نیک داشته باشند، اینکه بتوانیم با آنها کنار بیاییم و آنها نیز متقابلا با ما برخورد و ارتباطی شایسته داشته باشند و... از دیدگاه امام صادق (ع) در سبک زندگی، همگی نیازمند شیوه ها و فنون اساسی است که رعایت آنها، ما را در رسیدن به ارتباطات اجتماعی، سالم و ماندگار یاری می رساند.

۱-۳-۱۱) عدم انتقاد، سرزنش و گلابه

تجربه ثابت کرده است که سرزنش، عیبجویی و گلابه که در نهایت به مجادله در کلام و رفتار ختم می شود، در هر شرایطی بی فایده است. چون انسان را در موقعیتهای دفاعی قرار میدهد و او را وادار می کند تا



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

برای توجیه کردن خود از هر راهی استفاده کند. بنابراین سرزنش خطرناک است، زیرا غرور ارزشمند فرد را جریحه دار می کند و حس نفوذ را در او می کاهد و موجب ایجاد حس خشم و تنفر وی می شود.

«بی اف اسکینز» یکی از روانشناسان مشهور جهانی، ثابت کرد حیوانی که برای رفتار درستش پاداش میگیرد، خیلی سریعتر از حیوانی که برای رفتار نادرست تنبیه می شود، چیز یاد می گیرد و بهتر در خاطر نگه می دارد. بعدها مطالعات نشان داد که این نظریه در مورد انسانها نیز صدق می کند.

پس با سرزنش و انتقاد نمیتوانیم در دیگران تغییرات اساسی ایجاد کنیم، چون این کار اغلب موجب بیزاری و تنفر دیگران و در نتیجه عدم برقراری یک ارتباط اجتماعی صحیح می شود.

در آموزه های دینی نیز در چنین لحظاتی، با فراخواندن انسانها به سکوت از آنان می خواهد تا با این روش، جلب محبت نمایند: «ان الصمت باب من ابواب حکمه؛ انه الصمت یکسب المحبه، انه دلیل علی کل خیر؛ همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، خاموشی محبت می آورد و آن راهنمای هر چیزی است» [اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴]. و نیز: «از فروتنی است که... سرزنش را رها کنی هر چند حق با تو باشد» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۲]؛ چرا که از ابعاد طبیعت انسانی است که او موجودی مجادله گر است که حتی در برابر حقایق مسلم عالم هستی نیز مناقشه و مجادله می کند. از این روست که قرآن کریم نیز از این ویژگی آدمی یاد کرده و می فرماید: «و لقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل و کان الانسان اکثر شیء جدلاً؛ ما در این قرآن از هر مثلی آوردیم و توضیح دادیم و انسان فراوانترین جدال کنندگان است» [کهف/۵۴].

بر طبق گفتارهای حکیمانه، باید پذیرفت در ارتباطاتی که در اجتماع با مردم داریم، بعضاً با انسانهای منطقی روبرو نیستیم، بلکه آن ها انسانهای احساساتی هستند که پر از غرور و تعصب می باشند و انتقاد از آنها به هر شکلی به ویژه تند و نیشدار، سبب برافروختن اختلاف و کینه توزی میشود. پس در چنین شرایطی سکوت و آرامش در جای مناسب کینه ها را تبدیل به محبت می کند. چنانکه امام صادق (ع) با استشهاد قرآنی فرمودند: «عمل نادرست برادر ایمانی خود را با بدی، تندخویی و لجاجت پاسخگو نباشید و آن را از خود نرانید بلکه با زیباترین وجه «و لا تستوی الحسنه و لا السیئه اذفع بالتی هی احسن» آن را دفع کنید؛ چرا که دفع بدی با ستیز، لجبازی و بدی، خود بدی دیگری است» [بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۹۵]. و سپس فرمودند: «هرگز زبانتان را به خشونت، بهتان، سرزنش، دشمنی و... نیالایید، زیرا حفظ زبان از آنچه نهی شده است، نزد خداوند شما بهتر و شایسته است و سزای بدزبانی، روسیاهی و کوری و لالی در قیامت است. بدزبانی مصداق آیه ی «صم بکم عمی فهم لا یرجعون» قرآن است که در روز رستاخیز نه نیروی سخن گفتن دارند و نه این اجازه را دارند تا از بدکرداریها و بدرفتاریهای خویش پوزش بطلبند. تا آنجایی که می توانید از ارتکاب به گناه و زشتی بپرهیزید و بر شماسست که سکوت اختیار کنید و جدل ننمایید، به جز در برابر گفتاریکه خدا آن را بر شما روا ساخته است» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۵]. پس «پرهیزگار باشید و زبان را به جز راه خیر، نگهداری کنید» [همان].

البته هر چند انتقاد نابجا، سرزنش، گلاویه و به بیانی عیب جویی امری ناپسند است، اما کتمان عیب برادر دینی نیز به نوعی خیانت محسوب می شود زیرا مومن باید مانند آینه باشد و زشتی ها و زیباییهایی دوست خود را نشان دهد، البته به خود او، نه به دیگران. چنانکه امام صادق (ع) با تکیه بر کلام پدر بزرگوارشان فرمودند: «کسی که برادر دینی خود را گرفتار عمل ناپسندی می بیند و می تواند او را از این کار باز دارد، و چنین نمی کند به او خیانت ورزیده است» [بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶۵].



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

از دیدگاه حضرت (ع) این مساله یعنی اظهار دوستی و جلب اعتماد و سرپوش گذاشتن بر عیبهای برادر دینی تا آنجایی که خود بخواد از این مساله سوءاستفاده نماید را به کفر تشبیه نموده و خطاب به فردی که از دوست خود عیبجویی می نمود، در جمعی فرمودند: «از چیزهایی که انسان را به مرز کفر نزدیک می سازد این است که کسی با برادر دینی خود در ظاهر طرح دوستی بریزد و لغزشهای او را یکی پس از دیگری به خاطر بسپارد تا او را رسوا کند» [اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۵].

۲-۳-۱۱) قدردانی صادقانه و خالصانه

تحقیقات نشان می دهد انسانها در طول زندگیشان چیزهای زیادی را می خواهند و برای رسیدن به آنها تلاش فراوانی را نیز می نمایند، اما در رسیدن به برخی از آنها بسیار مصر می باشند. بعضی از چیزهایی که اغلب مردم طالب آن هستند شامل «تندرستی و حفظ جان، غذا، پول و آنچه را که پول می خرد، زندگی آینده، ارضای جنسی، رفاه فرزندان و حس مهم بودن» می باشد. بیشتر اوقات تمام و یا برخی از این خواسته ها برآورده می شوند. اما یکی از آرزوهایی که به اندازه ی غذا و خواب در زندگی ما ضروری بوده و بسیار عمیق می باشد و به ندرت ارضاء می شود، همان عمیق ترین میل در طبیعت انسان، یعنی «آرزوی مهم بودن» است. چرا که این مساله، یکی از مهم ترین تفاوتهای بارز بین انسان و حیوان می باشد.

چنانکه تاریخ نیز پُر از نمونه های بسیار جالبی از افراد مشهور است که برای رسیدن به حس مهم بودن تلاش کرده اند. از باب نمونه: کریستف کلمب، ویکتور هوگو، شکسپیر و...

صاحب نظران نیز معتقدند بعضی از مردم که در دنیای واقعیت حس مهم بودن را به دست نمی آورند، به سرزمین رویایی جنون و دیوانگی پناه می برند و واقعا دیوانه می شوند. چنانکه امروزه در آمریکا بیماری که از این مساله رنج می برند، بیش از بیماران دیگر در سراسر جهان هستند. تمام این حالات و علائم بیماری روانی در این افراد به اعتقاد روان شناسان حکایت از این مساله دارد که این افراد در عالم واقعی زندگی خود در کنار خانواده، جامعه و... هرگز به خاطر کارهایشان مورد قدردانی صادقانه و خالصانه قرار نگرفته اند؛ پس از این جهت است که در عالم دیوانگی به حس مهم بودن دست پیدا می کنند که در عالم واقعی از رسیدن به آن عاجزند.

این همان سخن نیکویی است که: «یکبار کار بد کردم، همیشه آن را شنیدم، دو بار کار خوب کردم هرگز آن را نشنیدم».

از دیدگاه امام صادق (ع) نیز قدردانی صادقانه و خالصانه در ارتباطات اجتماعی است که یک فرد با هر درجه و جایگاهی را تشویق به انجام رفتارهای صحیح میکند و حس مهم بودن را برای وی خلق و آفرینش می کند و با تدبیر و یاری گرفتن از همین فن اساسی تعریف و تمجید به موقع و به جا و نیز قدردانی صادقانه و خالصانه همراه با عاطفه و محبت است که پاسخی به این عطش داده میشود و از سوی دیگر شاهد معجزه هایی در خلق ارتباطاتی شایسته و نیکو با مردم اجتماع هستیم.

حضرت صادق (ع) رعایت این فن اساسی را در ارتباطات اجتماعی در فرمایش خویش اینگونه ترسیم می نماید که: «باید رنج و تلاش هر کسی را عادلانه (و خالصانه) ارج نهاد و در ارزشگذاری آن کوتاهی نکرد...» [بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۲]. نمونه عملی این برخورد حضرت (ع) در اجرای این اصل مهم رامیتوان در حسن ارتباطات اجتماعی ایشان دریافت. بگونه ای که در راه تعلیم و تربیت شاگردان خویش از هیچ کوششی فروگذار نکردند. چنانکه حضرت (ع) صادقانه برای شاگردانش دعا می کرد. به عنوان نمونه امام صادق (ع) هشام را که جوانی بسیار کم سن و سال بود، بر بسیاری از



بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

اصحاب کهنسال و پیشکسوت خویش مقدم می داشت و درباره ی وی در نهایت قدردانی خالصانه می فرمودند: «هشام با دل، زبان و دستش ما را نصرت و یاری می کند» [مظفر، زندگانی امام جعفر صادق (ع)، ص ۱۴۵] و برای وی این چنین دعا می فرمودند: «نفعک الله به و ثبتک» [شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۷۱] و یا پیرامون ابوسعید ابان بن تغلب می فرمود: «ای ابوسعید در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوی بده و احکام الهی را بیان کن زیرا من دوست دارم در میان شیعیان من امثال تودیده شوند» [التستری، قاموس الرجال، ص ۹۷] و در کلامی مشابه نیز همین سخنان را پیرامون عبدالرحمن بن حجاج بجلي فرمودند [طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۴۲]. همچنین درباره ی زراره بن اعین شیبانی نیز اظهار داشتند: من به شاگردی چون زراره افتخار می نمایم و او را مرجع مراجعات و فتوای مردم قرار می دهم، به حق او شخصیتی سخنور و خوش بیان است که در علم کلام و مسائل اعتقادی و استدلالی بسیار ماهر و ورزیده است. نقل است که امام صادق (ع) روزی به او فرمودند: «ای زراره، نامت در ردیف نامهای بهشتیان است» [همان، ص ۳۴۵]. و نیز فرمودند: «گروهی هستند که ایمان را به زینهار گرفته و بر گردن می افکنند (از آن پاسداری میکنند) که در روز قیامت آنان را پاسداران (ایمان) نامند. بدانید که زراره بن اعین از آن گروه است» [همان، ص ۳۷۸].

و نیز روزی امام صادق (ع) خطاب به فیض بن مختار جعفی کوفی فرمود: «اگر میخواهی به احادیث و علوم ما برسی به این مرد (اشاره به زراره) مراجعه کن. آنگاه فرمودند: خدا بیمارزد زراره را. اگر زراره و تلاشهای او و افرادی مانند او نبودند احادیث پدرم از بین می رفت» [شوشتری، مجالس المومنین، ص ۳۴۴].

همچنین در رابطه با ستایش های گوناگون امام صادق (ع) از محمد بن مسلم ثقفی نیز آمده است: عبدالله بن ابی یعفر میگوید: «نزد امام صادق (ع) رفتم و گفتم: ما نمیتوانیم هرساعت شما را ملاقات نماییم و امکان دسترسی به شما (برای پاسخ به پرسش هایی که داریم) برایمان وجود ندارد و گاه برخی از من پرسش هایی می کنند که پاسخ همه ی آنها را نمی دانم (تکلیف ما چیست؟) امام صادق (ع) فرمودند: چرا سراغ محمد بن مسلم ثقفی نمی روید؟ همانا او (احادیث) بسیاری از پدرم شنیده و نزد او فردی قابل اطمینان و احترام بوده است، آگاه باش که پدرم درست می گفت که: در شیعیان ما کسی فقیه تر از محمد بن مسلم نیست» [اختیار معرفه الرجال، ج ۲، صص ۳۹۱-۳۸۳].

و نیز آمده است ابو عبیده بن جذاء می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و بُرید از کسانی هستند که خدای بزرگ در مورد آنان می فرماید: و السابقون السابقون اولئک المقربون» [واقعه/ ۱۱-۱۰]. شاید این برخوردهای صادقانه و خالصانه ی امام صادق (ع) در این خصوص - ارتباطات اجتماعی - را بتوان مصداق همان فرمایشات مولا علی (ع) خطاب به مالک اشتر و نیز قرآن کریم - حتی پس از مرگ - دانست که علی (ع) «...مبادا که شخصیت کسی تو را وادارد که کار کوچکش را بزرگ شمری و یا تلاش بزرگ شخص گمنامی را کوچک انگاری» [نهج البلاغه، نامه ۵۳]، قرآن کریم: «قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا» [کهف/ ۲۱].

نباید فراموش نمود که بروز چنین حالتی در افراد - عدم قدردانی صادقانه و خالصانه - در ارتباطات اجتماعی ممکن است به علت تکبر و فخر فروشی آنان باشد، امام صادق (ع) پیرامون این گروه می فرماید: «از خود پرستی و خود بزرگ بینی دوری کنید، زیرا کبر مخصوص خداست و خدا کبرورزان و خودخواهان را زبون و ذلیل خواهد ساخت» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۸]. به حق این گروه غافلند از اینکه: «...ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا!... خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمیدارد» [نساء/ ۳۶] و «به غذایی دردناک دچار می سازد» [نساء/ ۱۷۳].



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

در حقیقت کسانی که زحمات صادقانه و خالصانه ی دیگران را ارج نمی نهند، در آموزه های اسلامی به اشخاصی ناسپاس تعبیر شده اند که راه هرگونه نیکی را قطع نموده اند: «خداوند قطع کنندگان راه نیکی ها را لعنت کرده است و اینان کسانی اند که به ایشان نیکی می شود و آنان آن را کفران می کنند و دوست نیکوکار خویش را از انجام آن نیکی برای دیگران باز می دارند...» [بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۳].

البته در ارتباطات اجتماعی، نباید قدردانی و تشکرها به شکلی افراطی صورت گیرد به حدیکه از دیدگاه دیگران، حمل بر تملق و چاپلوسی شود؛ چرا که این امر در آموزه های دینی و نیز فرمایشات امام صادق (ع) به دلیل آثار نامطلوبی که از خود در جامعه بر جای می نهد، مورد تقبیح و نکوهش شدید قرار گرفته است: «اذا مدحت فاختصر، اذا ذممت فاقتر؛ هرگاه ستودی، مختصر کن و هرگاه نکوهیدی کوتاه کن» [شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱].

۳-۳-۱۱) ایجاد اشتیاق و تمایل در دیگران

هر عملی را که انسان از بدو تولد و در سرتاسر زندگی خویش انجام می دهد، به این دلیل است که خود خواهان آن است. مثلاً اگر دوست دارد به دیگران کمک کند، یک عمل زیبا، فداکارانه و آسمانی انجام دهد و یا هر برخورد و رفتار و اخلاق دیگری که از وی با مردم سر میزند، نشان از علاقمندی به خواسته های خود است. حال آنکه از دیدگاه روان شناسی این عمل بازتاب خوبی در بسیاری از مواقع برای او در جامعه به جای نمیگذارد؛ چراکه علاقمندی انسان به آنچه که میخواهد، بطور ابدی در وی باقی میماند. اما تجربه نشان می دهد که دیگران علاقمند به خواسته های ما نیستند و به تعبیری همه ی ما مثل شما فکر می کنیم و همه ی ما علاقمند به خواسته های خودمان هستیم.

بنابراین روی این زمین خاکی، تنها راه تاثیرگذاری بر افراد جهت برقراری ارتباطات اجتماعی (البته با رعایت حریم و حدود ارزشهای اسلامی) این است: «در مورد آنچه که آنها می خواهند صحبت کنیم و به آنها نشان دهیم که چطور به خواسته های آنها بها می دهیم». وقتی از یکی از رهبران بزرگ در زمان جنگ جهانی اول به نام لوید جورج نخست وزیر بریتانیا سوال شد که چگونه ویلسون، ارلاندو، کلیمن سو و... همگی به فراموشی سپرده شده اند، اما تو هنوز از دید مردم بر مسند قدرت هستی، پاسخ داد: «اگر من هنوز برای مردم ارزشمندم و بر مسند قدرت باقی مانده ام، دلیلش این است که یاد گرفته ام طعمه ای را که به قلاب باید آویزان کرد، باید به دلخواه ماهی باشد» [جورج، خاطرات مردان بزرگ، ص ۱۹۵]. پس این نکته ی مهم و جالبی است که آن را باید در ارتباطات اجتماعی در طول زندگی همواره تکرار کرد: «اگر کسی در رابطه با مردم موفق است، راز موفقیتش در توانایی او در رفتار با مردم نهفته است. توانایی اینکه بتواند نظرات دیگران را درک کرده و همه چیز را از ابتدا از زاویه ی دید آنها و بعد از زاویه ی دید خود ببیند». این همان اصل مهمی است که در روان شناسی با بیان ایجاد اشتیاق و تمایل دیگران در برقراری ارتباطات اجتماعی با ما از آن یاد می شود. پروفیسور هری اوراستریت در این باره می گوید: «هرکس بتواند در رابطه با دیگران ایجاد اشتیاق نماید همه عالم را همراه خود ساخته است و اگر نتواند، در جاده ی پرت و دورافتاده ی تنهایی سیر می کند».

این مساله یعنی ایجاد اشتیاق و تمایل در دیگران به لحاظ دیدن دوباره ی ما یکی دیگر از شیوه ها و فنون



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

اساسی در چگونگی الگوی ارتباطات اجتماعی، در اندیشه امام صادق است. همانگونه که ایشان نیز با توجه به سطح درک و فهم مردم و نیز نیازها و علایق و گرایشهای آنها با آنان سخن میگفت و درحقیقت با در نظر گرفتن سطح درک و فهم و دانش آنان به نوعی ایجاد هم سطحی و همسانی بین خود و مردم می نمودند و پیوسته می فرمودند: «تا می توانید نیکی کنید و اگر به هر کس خوبی روا دارد، عکس العمل آن به خودتان باز می گردد» اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸. چراکه با این عمل در حقیقت ایجاد یک رابطه دوستانه با اشتیاق و تمایل مجدد دیدار را فراهم ساخته اند، پس فراموش ننمایید که: «با مردم سازگاری و همزیستی داشته باشید، چرا که با این کار به واقع خدا را اطاعت کرده اید» [همان، ص ۱۲۵] و خداوند چنین افرادی را که در برابر تکالیف شکیبیا و تسلیم می شوند را سزاوار بهترین اجرها از جانب خویش می داند [همان].

امام صادق (ع) این ایجاد اشتیاق و تمایل در دیگران را با اخلاق نیک و شایسته در برخوردهای خویش با مردم به منصفی ظهور می رساندند و می فرمودند: «خوش خلقی سبب کسب محبت (مردم) و نیز باعث نزدیک شدن به خداوند است و تندخویی سبب نفرت (مردم) و دوری از خدا می گردد» [همان، ج ۲، ص ۱۰۳] و نیز می فرمودند: «اخلاق نیک کلید خوبی ها و قفل بدیها است» [شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۰۲].

تعجیبی از این اندیشه در سیره امام صادق (ع) نیست، چرا که او سیره ی عملی پدرش امام محمدباقر (ع) را مشاهده نموده است: «هرگاه امام محمدباقر (ع) به جمعی می رسید با تک تک افراد مصافحه (دست محبت او را در دستهای خود می فشرد) و با آنان اظهار دوستی می نمود و در حالی از آنان جدا می شد که رشته های دوستی و مودت را میان خویش با ایشان مستحکم ساخته بود و آنان را به دیدار مجدد خویش مایل تر و راغب تر نموده بود» [بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۰].

امام صادق (ع) می گوید در آن دوران (کودکی) وقتی از پدرم پیرامون این مساله سوال نمودم، ایشان در پاسخ فرمودند: «هرگاه فردی با دوست خویش مصافحه کند، آنکه به فشردن دست رفیقش (از روی اظهار محبت) ادامه می دهد، پاداش بزرگتری خواهد داشت از کسی که دستش را زودتر رها می کند. همان گناهان میان ایشان فرو میریزد تا آنجا که دیگر گناهی برایشان باقی نمی ماند» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۱]. و باز فرمودند: پیامبر اکرم (ص) به همگان سفارش می نمودند که: «... شما که نمی توانید با اموال خود به همه ی مردم گشایش دهید، پس با چهره ی باز و رویی خوش با آنها برخورد کنید و در آنها تمایل و ایجاد اشتیاق نمایید» [همان، ص ۳۵]. و ادامه دادند: «در زمانی دیگر که در خدمت پدر (امام باقر (ع)) بودم، می دیدم که ایشان در طول سفر نخست یارانشان را سوار بر مرکب می نمودند و سپس خود بر مرکب خویش سوار می شدند. زمانی که بر مرکب می نشستند و در کنار یکدیگر قرار می گرفتند، آن چنان با آنان گرم می گرفت و از حالشان جويا می شد که گویی لحظاتی قبل در کنار هم نبوده اند و دوستی را پس از روزگار دوری جسته اند. دیدم که ابی عبیده از پدرم پرسید: ای فرزند رسول خدا (ص)! شما در معاشرت و لطف و محبت به همراهان و رفیقان چگونه ای رفتار می کنید که از دیگران سراغ ندارم و به راستی اگر دیگران دست کم در اولین برخورد و مواجهه، چنین برخورد خوشی با دوستانشان داشته باشند، ارزنده و قابل تقدیر خواهد بود. پدرم پاسخ فرمودند: آیا نمی دانی که نهادن دست محبت در دست دوستان و مومنان چه ارزشی دارد؟ مومنان هرگاه با یکدیگر با محبت و صمیمیت برخورد کنند علاوه بر (تمایل و اشتیاق) در منظر لطف خداوند تا از یکدیگر جدا شوند» [بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۸۶].

شاید حضرت (ع) این فرمایش علی (ع) را فصل الخطاب برخوردهای خویش با مردم قرار داده بودند که: «با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر مُردید، بر شما اشک ریزند و اگر زنده ماندید، با اشتیاق به سوی شما آیند» [نهج البلاغه، حکمت ۱۰].



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

همانگونه که قرآن کریم نیز اجرایی شدن این امور را در گرو اموری چون: «خوش خلقی، مهربانی و خوش رویی» [آل عمران/۱۵۹]، «تواضع و فروتنی» [مائده/۵۴، فرقان/۶۳]، «جود و سخاوت» [دهر/۹-۸، بقره/۲۶۱، ۲۷۴ و آل عمران/۹۲، اسراء/۲۹] امکان پذیر می داند که همگی بر سیره ی قرآن محور امام صادق (ع) نیز در ارتباطات اجتماعی منطبق است.

۴-۳-۱۱) همگامی، همراهی و همیاری

یکی دیگر از شیوه ها و فنون اساسی در الگوی ارتباطات اجتماعی، در آموزه ها و نیز اندیشه های قرآن محور امام صادق (ع) همگامی، همراهی و همیاری با آنان است [سبا/۲۴]. این همان امتیاز ارزشمندی است که خداوند متعال به انسانها عطا نموده است و سایر موجودات از آن بی بهره اند. تمایلات عالی انسانی که از آن ها با تعبیری همچون: همگامی، همراهی و همیاری و یا به بیانی دگر دوستی، گره گشایی و گشایش بخشی به زندگی دیگران از آن یاد میشود، علاوه بر برقراری رابطه ای مطلوب و تاثیرگذار در ارتباطات اجتماعی، سبب ساختن جامعه ای سالم و همگرا و نیز دفع نمودن هرگونه کناره گیری و عزلت نشینی است و این همان اصل قرآنی است که پیرامون آن آمده است: «فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس في الارض كذلک يضرب الله الامثال؛... اما کف به کناری می افتد و نابود می شود ولی آنچه به مردم سود می رساند (مثل آب یا فلز خالص) در زمین می ماند، خداوند متعال این چنین مثال می زند» [رعد/۱۷].

جایگاه این اصل مهم در اندیشه امام صادق (ع) تا آنجاست که میفرماید: «پیروان ما کسانی هستند که در کارهای نیک پیش قدم هستند و از انجام اعمال بد خودداری می کنند. نیکویی را آشکار می کنند و به کارهای خوب پیشی می گیرند به سبب علاقه ای که به رحمت خداوند جلیل دارند، اینان از ما هستند و هر کجا که باشیم با ما هستند» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۸]. سپس فرمودند: «به یکدیگر یاری کنید، این فرموده ی پدرم محمد (ص) است: کمک به مسلمانان اجر عظیم تر از یک ماه روزه و بیتوته در خانه ی خدا را دارد» [همان]. و باز هم ادامه دادند که: «هر کس خواستار تکامل ایمان است، باید پایبند خدا و دوستی با مردم باایمان باشد، زیرا که شرط دوستی با خدا و پیامبر (ص) و ائمه طاهرين گره گشایی از کار مومنین است» [همان]. و نیز فرمودند: «هر کس، بنده ای را از رنج و گرفتاری (با رویی گشاده و خلقی خوش و مهربان) گشایش دهد، خداوند روز قیامت دلش را گشایش میدهد» [همان، ص ۴]، پس «گره گشایی کنید در زندگی نیازمندان و اگر چنین نکنید قریب است که نعمت از دستتان خارج شود» [الاریلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۷].

جایگاه این اصل مهم در آموزه های اسلامی نیز تا آنجاست که آمده است: «مهمترین اعمال سه چیز است: یاد خداوند در همه حال و همیشه، رعایت انصاف درباره مردم و همیاری و همگامی برادر مومن خویش در هر زمان» [الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۵]. و نیز «انسان مومن نمی تواند در برابر نیازهای جامعه و مشکلات دیگر مومنان بی تفاوت باشد» [اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۵]. و «به خدا سوگند، کسی مومن واقعی نخواهد بود مگر زمانی که نسبت به دیگر مومنان احساس یگانگی، همراهی و همدردی داشته باشد» [محمدالدیلمی، اعلام الدین، ص ۴۴۰]. پس: «ملعون ملعون من احتجب عن اخيه؛ از رحمت خداوندی به دور است، از رحمت خداوندی به دور است کسی که در موارد نیاز و گرفتاری دوست، خود را پوشیده بدارد، بطوریکه دسترسی به او به آسانی ممکن نباشد» [وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۶۳].

امام صادق (ع) نیز برای اصل همگامی، همراهی و همیاری دیگر افراد در جامعه فرمایش امام محمدباقر را توصیه و تاکید می کنند که: «همانا خداوند متعال از میان ارزشها و نیکیها آن را دوست دارد که سریعتر انجام پذیرد و مورد



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

سستی و تعلل قرار نگیرد» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۲]. و «کسی که تصمیم انجام کار نیکی را می گیرد، پس در آن شتاب کند و سستی نوزد؛ زیرا هر چیزی که در آن تاخیر صورت گیرد، مورد توجه و تزویر شیطان قرار می گیرد» [همان، ص ۱۴۳]. رعایت این اصل در ارتباطات اجتماعی نزد امام صادق (ع) از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار بود که به یکی از یارانش جریان صورت گرفته میان ابوحمزه و امام باقر (ع) را نقل کردند: ابوحمزه از پدرم پرسید: چه می فرمایید درباره ی مسلمانی که به لحاظ رفع نیاز و حاجتش دیدن مسلمان دیگر می رود و او در منزل است، از او اجازه ی ورود می خواهد ولی اجازه نمی دهد و حتی از خانه سر بیرون نمی آورد؟ پدرم فرمودند: «ای ابوحمزه، هر مسلمانی که به نیاز مسلمان دیگر پاسخ ندهد و چهره از او پنهان بدارد، مورد لعنت خدا خواهد بود، تا زمانی که آن دو یکدیگر را ملاقات کنند (یعنی مسلمان خواهان ملاقات به درخواست خود برسد)» [همان، ص ۳۶۵]. آن گاه ابوحمزه به امام باقر (ع) عرض کرد به راستی در لعنت خدا خواهد بود تا زمانی که ملاقات صورت پذیرد! (هرچند این ملاقات خیلی دیر انجام پذیرد یا اصلاً صورت نگیرد!) امام باقر (ع) فرمودند: «بلی ای ابوحمزه!» [همان].

در جای دیگر نیز آمده است: در پرسش و پاسخی که میان امام صادق (ع) و شخصی از شیعیان پیش آمده است، امام (ع) پرسیدند: آیا در میان مردمی که می زیستی، این برنامه وجود داشت که اگر فردی عبا و روپوش نداشت و نزد یکی از برادرانش عبایی اضافی وجود داشت، آن را به برادر نیازمندش رد کند تا او هم از نداری بیرون آید؟ او گفت: خیر. امام (ع) فرمود: اگر فردی از آنان پیراهن اضافی داشت، آیا آن را برای مادر نیازمندش می فرستد؟ باز پاسخ داد: خیر. امام (ع) با دست بر زانو می زند (و با ناراحتی) می فرماید: «آنان برادر نیستند» [تنبیه الخواطر، ص ۳۳۰].

از این دیدگاههای توحیدی در برقراری ارتباطات اجتماعی امام صادق (ع) نمی توان متعجب بود، زیرا حضرت (ع) به حق مصداق این آیه قرآن کریم است که: «و جعلنی مبارکاً این ما کنت؛ و مرا وجودی پربرکت (گره گشا) قرار ده، در هر کجا باشم» [مریم/۳۱].

این مساله بطور بسیار زیبایی در رفتار عملی حضرت (ع) در جامعه نیز مشاهده می شود. حضرت (ع) پس از کمکی که به یکی از نیازمندان جامعه میکنند، در پاسخ به هشام که از ایشان می پرسد چرا با این همه کمک و خیری که به وی رساندی، حتی حاضر به دیدار وی نشدی، فرمودند: «ترسیدم که در وقت همراهی و همیاری او در راه رسیدن به نیازش، آثار شرمندگی را در چهره ی او ببینم» [بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱]. سپس در ادامه فرمودند: آیا سخن رسول خدا (ص) را نشنیده اید که فرمودند: «پاداش آن کس که کار نیکش را برای همیاری مردم (برای حفظ حریم اخلاص) می پوشاند، معادل هفتاد حج مستحبی است» [همان].

پدرم نیز همواره توصیه می فرمودند که: وقتی نیازمندان به شما رو می آورند و یا شما میخواهید آنان را صدا بنزید، بهترین نامها و عناوین را درباره ی آنان به کار گیرید (و با عناوین و اوصاف زشت و بی ارزش و بی احترامی با ایشان برخورد نکنید)» [همان، ج ۴۶، ص ۲۹۵].

امام صادق (ع) در ادامه می فرماید: پدرم با اینکه از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایین تری قرار داشت و مخارج زندگی وی، سنگین تر از بقیه بود، هر جمعه به نیازمندان انفاق می کرد و می فرمود: «انفاق در روز جمعه، دارای ارجی افزونتر است، چنانکه روز جمعه، خود بر سایر روزها برتری دارد» [بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۵].



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

امام صادق (ع) با اندیشه و نیز سیره عملی خویش علاوه بر همگامی، همراهی و همیاری با مردم، سبب جذب دل‌های آنان به اهل بیت نیز می‌شدند. چنانکه افراد بسیاری از این طریق به حق هدایت شدند و فهمیدند که اهل بیت شایسته‌ی زعامت و رهبری امت هستند.

نکته‌ای که در این همدردی، همراهی و همیاری‌ها در اندیشه و سیره عملی حضرت صادق (ع) مشاهده می‌شود، بسیار حائز اهمیت و درس آموز است و باید مورد توجه قرار گیرد، ویژگی‌های منحصر به فردشان است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. این کمک‌ها غالباً مخفیانه و پنهانی بود به طوری که حضرت (ع) چهره خود را می‌پوشاند تا از یکسو، فرد مستمند احساس خواری و شرمندگی نکند و از سوی دیگر، روحیه‌ی تملق و چاپلوسی در برابر امام (ع) ایجاد نشود.

۲. امام (ع) این عمل را به دست خویش انجام می‌دهد و از نزدیک با زندگی تهیدستان آشنا می‌شود؛ بطوریکه در موارد زیادی با آنان هم غذا شده، این عمل را یک کار افتخار آمیز می‌داند و حتی همنشین شدن با آنها را از خدا طلب می‌کند.

۳. حضرت (ع) با همنشینی و برقراری رابطه‌ی نزدیک با خانواده‌های محروم، علاوه بر اینکه از آنها دلجویی به عمل می‌آورد، با شناسایی محرومان واقعی، از به وجود آمدن روحیه رفاه زدگی و تنبلی و در نهایت از گداپروری جلوگیری می‌کرد.

۴. امام صادق (ع) در امر انفاق، نه تنها از آنچه خود دوست می‌داشت و مورد استفاده قرار می‌داد به محرومان می‌بخشید، بلکه در موارد زیادی، دیگران را بر خود مقدم داشته و با این کار، در حقیقت به فرمایش آیه‌ی شریف «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون؛ هرگز به نیکی دست نخواهید یافت تا زمانی که (انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید)» [آل عمران/۹۲] عمل می‌کرد.

با این آموزه‌های نیک در الگوی ارتباطات اجتماعی امام صادق (ع) می‌توان دریافت که عبادت تنها، به نماز خواندن و روزه گرفتن و به زیارت رفتن و انجام اعمال مستحبی نیست؛ بلکه برآوردن نیازهای افراد با خلقی خوش، رویی گشاده و مهربان که در جامعه در کنار ما هستند و سخت به همگامی و همراهی و همیاری بدون منت ما نیازمند هستند و گاه شاید شرم و حیا مانع از به زبان آوردن نیاز آنان است، از اهمیت همسان با عبادت برخوردار است. همانگونه که قرآن کریم نیز می‌فرماید: «نیکی (تنها) این نیست که به هنگام نماز صورت خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با تمام علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان، یتیمان و از کارافتادگان و... انفاق کند و...» [بقره/۱۷۷].

یقیناً امام صادق (ع) نیز این فرمایش قرآنی را در ارتباطات اجتماعی خویش پیرامون همگامی، همراهی و همیاری عملی نموده است که: «و اما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربک ترجوها فقل لهم قولاً ميسوراً؛ و هرگاه از آنها (مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید به آنها کمک کن)» [اسراء/۲۸].

همچنانکه از دیدگاه روان‌شناسی نیز بیشتر لذتهای انسانی ریشه در همگرایی‌های او در برقراری ارتباطات اجتماعی دارد و خشنودیهایی که جز در ارتباط با دیگران تجربه می‌کند، وابسته به کنش‌های او با دیگران



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

است. نوع دوستی و منفعت رساندن به دیگران در اجتماع است که موجب شادی و رضایت‌مندی انسانها می شود. به همین دلیل است که افراد در جامعه و در برخی موارد با از خودگذشتگی و بدون انتظار هیچگونه پاداش و حتی سپاسگذاری برای دیگران کار می کنند و در حقیقت به آنها کمک می کنند به طور آشکار در زندگی اجتماعی از این عمل به دیگرگرایی یاد می شود؛ چرا که مردم می خواهند برای هم مفید باشند و به رابطه های یکدیگر پاسخ متقابل و نیک بدهند و این رفتار «دیگرگرایی» به جای خودگرایی و همه چیز را برای خود خواستن، علاوه بر ایجاد ارتباطات اجتماعی موثر، سبب آرامش روانی و به نوعی لذت بردن از زندگی نیز میشود.

۵-۳-۱۱) ثبت نگری و نیک اندیشی

در ارتباطاتی که ما با مردم اجتماع برقرار می کنیم مفاهیم مختلفی از سوی ما و آنان آفریده یا به تعبیری رد و بدل می شود. کلمات و واژه هایی که به خودی خود بار معنایی لازم را گاهی اوقات نمی رسانند؛ پس نیازمند توضیح و تفسیر است و در فرایند تفسیری، عواملی همچون بافت و شرایط سخن و نگرشها و فضاهای ذهنی گوینده، نقش دارد. بنابراین دو طرف همواره یکدیگر را تفسیر می کنند.

از این روست که در اندیشه ی امام صادق (ع)، در الگوی ارتباطات اجتماعی، مثبت اندیشی به عنوان یک شیوه و فن مهم برای ایجاد رابطه ای تاثیرگذار مورد توجه و تاکید قرار گرفته است و از انسانها می خواهد تا با مثبت نگری و نیک اندیشی، در هنگام برقراری ارتباط با یکدیگر در اجتماع، همواره بهترین تفسیر از سخنان آنان را داشته باشند: «ضع امر اخیک علی احسنه... و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سوءا و انت تجد لها فی الخیر محملا؛ کار برادر (دینی) ات را بر زیباترین شکل بنا بگذار... و هرگز نسبت به سخن برادرت گمان بد مبر، در حالیکه می توانی توجیه نیکی برای آن بیابی» [اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۲]. و سپس می فرمودند: پدرم امام محمد باقر (ع) چه نیک فرمودند که: «چه بسیارند مومنانی که شکیبایی و نیک گمانی آنان را به پیروزی رسانده است» [مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۹۵] و در ادامه اظهار داشتند پدرم از پدرانش نقل کرد که: «هرکس به مردم نیک گمان باشد، محبت و مهر آنان را به دست خواهد آورد» [همان، ج ۵، ص ۳۷۹].

ایشان همچنین با انتقاد از منفی نگری و نهی از این عمل در ارتباطات اجتماعی، ضمن به تصویر کشیدن سیره پیامبران الهی و توصیه و تاکیدات قرآن کریم [نور/۱۲-۱۱، بقره/۳۳-۳۰، حجرات/۱۲] می کوشیدند تا بهترین راه نفوذ در برقراری یک ارتباط اجتماعی تاثیرگذار را به آنان تعلیم دهند. چنانکه در روایت آمده است: شخصی از امام صادق (ع) پرسید: «حق خداوند بر مردم چیست؟ حضرت (ع) پاسخ داد: با آگاهی و دانایی سخن گویند و از آنچه نمی دانند خودداری کنند (خُسن ظن به مردم داشته باشد)، در اینصورت حق خداوند را گزارده اند» [وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲].

در روایت دیگری نیز امام صادق (ع) به نقل از امام باقر (ع) می فرماید: در کتاب علی (ع) این نکته را یافتم که رسول خدا (ص) بر منبر فرمود: «سوگند به خدای یگانه! خیر دنیا و آخرت هرگز به مومنی عطا نشده است مگر در قبال خُسن ظن و خوش گمانی او به خداوند و امیدواری وی به لطف الهی و نیز گمان نیک بردن به برادران دینی خویش (مثبت اندیشی)» [اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲]. و نیز: «سوگند به خدای یگانه! خداوند هیچ مومنی را پس از توبه و استغفار، کیفر نمی کند مگر بخاطر بدگمانی وی به خداوند و نیز سوءظن و بد رفتاری با خَلق» [بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۴].

از دیدگاه روان شناسی نیز منفی نگری، گاه به بیماری روانی تبدیل می گردد که آدمی نسبت به گفتار و کردار هرکس فقط نقاط منفی را می نگرد و حتی عناصر مثبت را نیز منفی تفسیر میکند. امام صادق (ع) خاستگاههای



مقام معظم رهبری

بهائش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مهم این حالت در افراد را به سبب ضعف ایمان دانسته و از دیدگاه قرآن نیز این مساله از ویژگی منافقان است: «يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الَّذِينَ يُرِيدُونَ بِزَيَانِ خُوشِ مِي پندارند» [منافقون/۴].

۶-۳-۱۱ اعتماد آفرینی و رازداری

بخشی از تعامل ما با دیگران در اجتماع را، مساله ی اعتماد آفرینی از یکسو و رازداری از سوی دیگر به عنوان یکی دیگر از شیوه ها و فنون اساسی در برقراری رابطه ی مثبت با آنان در اندیشه امام صادق (ع) می توان دانست.

از این رو، در اندیشه امام صادق (ع) اعتماد حاصل نمی شود، مگر با عناصری همچون: راستگویی، خیرخواهی و پرهیز از خودمحوری و خودبرتربینی؛ چراکه مردم از روی رفتار و اخلاق ماست که می توانند ما را باور نمایند یا برعکس. همانگونه که قرآن کریم نیز علاوه بر موارد فوق به رعایت اصل انصاف [انعام/۱۵۲، نساء/۱۳۵] در ارتباطات اجتماعی نیز تاکید می فرماید.

پس به همین علت است که در آموزه های دینی نیز آموزش راستگویی پیش از سخنگویی سفارش شده است: «تَعْلَمُ الصِّدْقُ قَبْلَ الْحَدِيثِ؛ راستگویی را پیش از سخنگویی بیاموزید» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴]. و «الْكَذِبُ بَابُ مِنْ ابْوَابِ النِّفَاقِ؛ دروغ دری از درهای نفاق است» [محمّدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۴۰]، نیز: «إِيَاكُمْ وَالْكَذِبَ فَانْهَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ هُمَا فِي النَّارِ؛ از دروغ بپرهیزید، زیرا دروغ آدمی را به فسق و فجور می کشاند و سرانجام، صاحب این دو صفت زشت، ورود در آتش جهنم است» [همان].

امام صادق (ع) نیز فرمودند: «...دروغگویان جایگاهشان در پست ترین جای جهنم است و آنان را یاری کننده ای نخواهد بود» [اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۸].

همچنین در این اندیشه خیرخواهی هم امری است که باید در ارتباطات اجتماعی آن را ملاک و مبنای عملکردها قرار داد: «مَنْ مَشَى فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ فَلَمْ يَنصَحْهُ، كَانَ كَمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ... لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَ هُوَ يَضْمُرُ فِي قَلْبِهِ عَلِي مَوْمِنٍ سِوَا؛ هرکس در راه نیازمندی برادر دینی اش قدم بردارد، ولی خیرخواه او نباشد، مانند کسی است که با خدا و پیامبرش جنگیده است. خداوند عمل بنده ای را که در دلش نیت بدی برای مومنی باشد، قبول نمی کند» [بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۶]؛ چراکه تصور خیرخواهی و دلسوز بودن در رفتارهای ما در ارتباطات اجتماعی تحکیم اعتماد آنان را به دنبال دارد و اگر در برخوردها حس غرور و خودبرتربینی را از طرف مقابل مشاهده نمایند به واقع سلب اعتماد برایشان حاصل شده است.

امام صادق (ع) پیرامون این مساله آموزه های پدر را به عنوان یک توصیه و دستورالعمل به تصویر کشیدند که: «با منافقان - انسانهای دو چهره و زینبار که آنچه با تو می گویند، سطحی است و قلبا رازدار سخنان نیستند و فقط با زبان و گفتار با تو اظهار دوستی می کنند - دوستی و سازش مکن و محبت خالص و بی شائبه ات را برای مومنان قرار ده و اگر شخصی از یهود - که ناسازگاترین عناصر با مسلمانند - همنشین تو گردید، ولی رازدار در حق تو و سخنان تو بوده تو هم آداب همنشینی و دوستی را با وی به جای آور» [تحف العقول، ص ۳۳۵]. و: «از دوستان متفرقه برحذر باش (و به آنان اطمینان نکن) مگر دوستی که امین، رازدار و خداترس باشد» [همان، ص ۳۳۶].

به همین سبب است که امام صادق (ع) در ارتباطات اجتماعی خویش آنچه صمیمانه و به دور از خودخواهی برخورد می نمودند که همگان حتی دشمنان خویش را نیز به شگفتی وا میداشتند. امام (ع) تنها



مقام معظم رهبری

بهائش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

جلب اعتماد و آفرینش را در برقراری ارتباطات کافی نمی دانستند، بلکه در آموزه های اسلامی خویش میکوشند تا این اصل مهم را به رازداری نیز پیوند بزنند؛ چرا که اعتقاد داشتند رازداری و پاسداشت اسرار نشانه امانتداری و خرد آدمی است. آن سان که علی (ع) نیز فرمودند: «صدر العاقل صندوق سره؛ سینه ی خردمند، صندوق راز اوست» [نهج البلاغه، حکمت ۶]. حال اینکه انسان رازهای دیگران را مانند رازهای خویش دانسته و از افشا کردن آن به هر نحوی پرهیز نماید، تاثیر مهمی را در برقراری ارتباطات اجتماعی سازنده به جای می گذارد.

امام صادق (ع) با مهم شمردن این امر خطاب به همگان به نقل از رسول خدا (ص) می فرمودند: «المجالس بالامانه و افشاء سر اخیک خیانه؛ نشست ها و مجالس امانت است و برملا نمودن راز برادرت خیانت» [اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۰۷].

نتیجه گیری

دریافتیم که در دنیای جدید، دنیای پرشتاب و تغییر، اغلب افراد احساس میکنند در سبک زندگی روزمره با مسائل و مشکلاتی مواجه شده اند که راه برون رفت از این شرایط آنها را با وضعیت تعارض آمیز مواجه ساخته است.

در این میان از یکسو سمت و سوی تغییرات و تحولات اجتماعی به ویژه در سایه توسعه روزافزون شاخه های مختلف علوم، امیدبخش توان افزایی بشر در مواجهه با طبیعت زندگی اجتماعی می باشد که روز به روز ابعاد و زوایای نامکشوف عالم هستی به تسخیر انسان در می آید ولی از سوی دیگر، همزمان احساس شیء گشتگی، بی یابوری، از خودبیگانگی، تنهایی و گرفتاری در «قفس آهنین» خودساخته، گنشهای ارتباطات انسانی - اجتماعی را آنچنان تحت تاثیر قرار داده است که به نظر می رسد شرایط ساختاری پیش آمده فراتر از توان و ظرفیت های انسان های امروزی رقم خورده است؛ بگونه ای که پدیده ی «مجاورت بدون صمیمیت» از مختصات این جوامع در این امر است.

فضای تعارض آمیز و بدون ارتباطات انسان ها با یکدیگر در زندگی بشر با آمریت و اجبار ساختهای اجتماعی، روز به روز قدرت خلاقه او را تحت تاثیر قرار میدهد و در این فضا، خودمختاری کارکردی وی با موانع محدود کننده ای برخورد می کند و آنچه که انسان به طور مستقیم به آن آگاهی دارد و آنچه که میکوشد انجام دهد با بندهای نامرئی و مدارهای ناپیدایی که در آن به سر می برند، بسته و مقید شده است و حوزه



همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

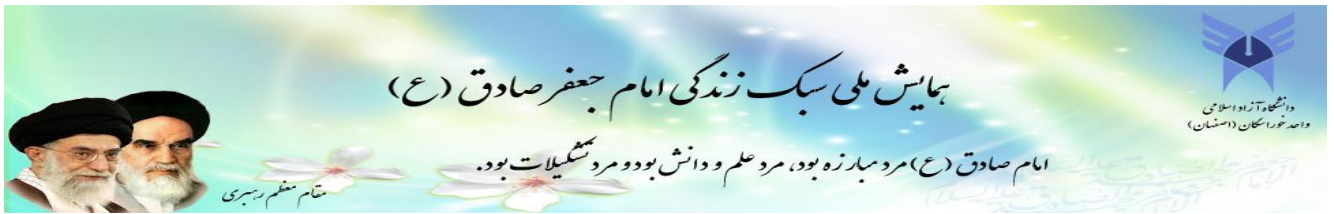
نگرش و نگاه بشر محدود به مناظر بسیار نزدیکتر است. این وضعیت به صورت تدریجی انسان فعال و اجتماعی را به موجودی بی تفاوت، عاریتی و تماشاگر، تنها، مردم گریز و... تبدیل می کند.

فرآیند تبدیل شدن افراد به انسان هایی بی تفاوت و تماشاگر و عاری از هرگونه رفتار مطلوب اجتماعی در قالبها و ساختارهای قبلی تشکیل دهنده کنش انسانی را در برقراری ارتباطات اجتماعی در سبک زندگی، درهم ریخته و احساس بی پناهی در میان انبوهی از جمعیت که وی با آنها در تراکم اخلاقی گرفتار آمده است را شدت می بخشد و او را به عنوان موجودی «تنها در جمع» تبدیل می کند؛ بگونه ای که تنها ارتباط یک انسان با دیگران در اجتماع، براساس مقتضیات زمان و مکان است و بعبارت دیگر نگاه انسانها به یکدیگر در روابط میان فردی، فرهنگی و... یک نگاه و رابطه ی ابزارمند است، نه نگاهی متأثر و برخاسته از جایگاه و کرامت انسانی وی. این در حالی است که دقت در محتوای آموزه های دینی و از آن جمله اندیشه های امام صادق (ع) در جهت الگوی ارتباطات اجتماعی در سبک زندگی، از این واقعیت پرده بر میدارد که نگاه حضرت (ع) به مردم، حاکی از وجود مبانی خاص انسان شناسانه و ناشی از نوع نگرش خاص ایشان به جایگاه و ارزش انسان است و درحالیکه نظریات روان شناسی نوین پایه های نظری و عملی و چگونگی برقراری یک ارتباط اجتماعی صحیح دیدگاههای گوناگونی را مطرح نموده است، اندیشه ها و نیز سیره عملی امام صادق (ع) در عرصه برنامه ریزی جهت برقراری ارتباطات اجتماعی صحیح، زیرساختی و زیربنایی کارآمدتر عمل نموده و این نظریات را بر پایه های فکری محکمی نیز استوار نموده است.

همانگونه که در اندیشه حضرت (ع) ارتباطات اجتماعی و تعامل بین انسانها در سبک زندگی، امری ضروری است و از اهمیت بالایی برخوردار است. ایشان وجود بسترها و زیرساختهای مناسب چون: خودسازی و رشد شخصیتی، باورمندی به نظارت دائمی پروردگار، اندیشیدن پیش از سخن گفتن، را در مهندسی الگوی ارتباطات اجتماعی خویش در روابط میان فردی، فرهنگی و... به عنوان نخستین گام مورد تاکید و توجه قرار می دهد. امام صادق (ع) در این مهندسی تنها به این امور بسنده ننموده اند، بلکه آنچنان جایگاهی برای انسان قائل است که معتقدند آدمی در سبک زندگی و هنگام برقراری ارتباطات اجتماعی، بایسته است تا پایه ها و اصولی را بر رفتار خویش حاکم نماید؛ همان پایه ها و اصولی که مبنای آن را احترام به حقوق و کرامت انسانها و نیز مروت و مدارا با آنان تشکیل می دهد که توجه به آن از آسیبهای رفتاری فرد در عدم توانایی ارتباطات اجتماعی به نحو چشمگیری می کاهد.

پس حضرت (ع) در مهندسی الگوی ارتباطات اجتماعی خویش در سبک زندگی، با مردم شیوه ها و فنون اساسی را نیز معرفی می کند، فنون و شیوه هایی که تنها جنبه ی تئوری نداشته، بلکه در مرحله ی عمل نیز از آنچنان قابلیت برخوردار است که با مراجعه به نظریات اندیشمندان روانشناس کنونی، به جایگاه و ارزش آن فرمایشات گهربار در (مهندسی الگوی ارتباطات اجتماعی امام صادق (ع)) به خوبی می توان پی برد. همان تکنیک هایی که بکارگیری آن، از بین بردن احساس تنهایی، بی تفاوتی اخلاقی، فردیت ذره ای یا سلولی، بی هویتی و بی هدفی، بی اعتمادی اجتماعی و... به ارمغان خواهد آورد.

بنابراین شناخت درست مهندسی الگوی ارتباطات اجتماعی امام صادق در ابعاد بسترها و زیرساختها، اصول و پایه ها و نیز شیوه ها و فنون اساسی، علاوه بر بسترسازی پایه های مستحکم ارتباطات اجتماعی، امنیت روحی و روانی را نیز برای آنها به دنبال خواهد داشت.



و خلاصه آنکه فرهنگ الگویی ارتباطات اجتماعی (میان فردی، میان فرهنگی، غیر کلامی) امام صادق (ع) در سبک زندگی، به اقتضای دارا بودن فرهنگی منطبق بر قرآن کریم و سیره و سنت نبوی، شایسته الگوگیری از ماندگارترین و بهترین فرهنگ برقراری ارتباط با مردم در عرصه اجتماع است؛ چرا که علاوه بر جامعیت و پویایی، می تواند جهت ارتباطی پایا و مانا برای همیشه و همه ی اقشار باقی بماند.

منابع و ماخذ

۱. آریانپور کاشانی، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، تحقیق: حسین اعلمی، نشر رضایی، جا، ۱۳۶۳ ش.
۴. _____، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، نشر مکتب بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ ق.
۶. انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، نشر سخن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۷. اون هارجی، کریستین، مهارتهای اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، نشر رشد، تهران، ۱۳۷۷ ش.



مقام معظم رهبری

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نور سلطان (استان)

۸. الاربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، **کشف الغمه**، نشر مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۹. بیرو، آلن، **فرهنگ علوم اجتماعی**، بی نا، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۰. بغدادی، ابوعبدالله محمد بن النعمان (ملقب به شیخ مفید)، **الارشاد فی معرفه حجج الله**، نشر موسسه اعلمی مطبوعات، بی جا، ۱۳۹۹ق.
۱۱. جورج، لوید، **خاطرات مردان بزرگ**، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۲. حجت، محمدرضا، **روان شناسی کاربردی**، نشر نیکتاب، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۰۳ق.
۱۴. دلمی، ابومحمدالحسن بن محمد، **اعلام الدین فی صفات المومنین**، نشر موسسه آل بیت، بی جا، ۱۴۰۹ق.
۱۵. رضاییان، علی، **مدیریت رفتار**، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۶. رفیع پور، مهدی، **آنا تومی جامعه**، بی نا، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، **الامالی**، مقدمه: سیدمحمدصادق بحر العلوم، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۸. _____، **اختیار معرفه الرجال**، نشر موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، نشر دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ق.
۲۱. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴ش.
۲۲. محسنیان راد، مهدی، **ارتباط شناسی**، نشر سروش، تهران، ۱۳۶۴ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بی جا، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مالکی، ابوالحسن ورام بن ابی فراس، **تنبيه الخواطر**، نشر دارالصعب، بی جا، بی تا.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد مهدی، **میزان الحکمه**، ترجمه: حمیدرضا سیفی، نشر دارالحديث، قم، ۱۳۷۷ش.
۲۶. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نشر موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، قم، ۱۳۷۵ش.
۲۷. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، نشر آل بیت، قم، ۱۴۰۸ق.
۲۸. وود، جولیاتی، **ارتباطات میان فردی**، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، نشر مهتاب، تهران، ۱۳۷۹ش.